

# راه توده

شهره‌مآوران حیدرآباد در خراج از کشور

شنبه ۷ خرداد ۱۳۱۳ مطابق  
۲۸ خرداد ۱۹۸۴  
سال دوم شماره ۹۳  
پهنا: ۱۰ سانتی‌متر

## “حقانیت جمهوری اسلامی” تنهادر اطاق‌های تمشیت قابل اثبات است

اعدام پسیرند.  
و سرفصل تکوین و اجرای این توطئه را چنین ارزیابی می‌کند:  
“اینک شکنجه‌گران احسان طبری، فیلسوف و دانشمند مشهور ایرانی را به عنوان قربانی اهداف ضد انسانی خود برگزیده‌اند. ولی این بار نیز تبلیغات افسارگسیخته ضدشوروی و ضدکمونیستی رژیم قرین موفقیت نبود و نتوانست مردم میهن ما را که با دناات مرتجعین حاکم آشنایند فریب دهد...”  
شخصیت برجسته و بی‌نیاز از توصیف احسان طبری، در بقیه در صفحه ۱۱

شرایط پیچیده و پرتنش کلونی جامعه ما، به اوج فاجعه‌باری نزدیک می‌شود. آثار و عواقب مترتب‌براین شرایط افزون بر اینکه در سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی نقش خود را منعکس می‌سازد، کاری‌ترین ضربه‌ها را به انسان‌هایی که در اسارت زندانبانان رژیم گرفتار آمده‌اند، وارد می‌کند. کمیته مرکزی حزب توده ایران در این رابطه هشدار می‌دهد:  
“ارگان‌های قضایی سرگرم تهیه مقدمات محاکمه جمعی صدها نفر از اعضای حزب توده ایران‌اند و درصددند برای ایجاد ترس و وحشت در جامعه و وادار کردن مردم ناراضی به سکوت عده زیادی از توده‌ای‌های دریندراپه‌جوخته‌های

## بازره در راه صلح، لازمه مبارزه واقعی با امپریالیسم آمریکاست

نامنی در خلیج فارس به سرعت به نتایج ش‌بینی شده انجامیده است. امپریالیسم آمریکا به بهانه تشدید بحران، بر تحرک نظامی یاسی و فشار خویش برای استقرار دائمی پروهای آمریکایی در جزایر و سواحل جنوبی لیبج فارس افزوده است. تدارک سیاسی و مادگی برای دخالت نظامی امپریالیسم و رتجاج منطقه در جنگ و تداوم و گسترش بیشتر ن به حدود بی‌سابقه‌ای رسیده است. دیگر آمد مهم بحران، محدودیت پیش از پیش صدور فت‌ایران است که پیش‌بینی عواقب آن دشوار نیست. به موازات تشدید بحران، اهمیت حیاتی صلح ادلانه برای پاسداری از منافع واقعی مردم حمتکش ما و خلق‌های منطقه چشم‌گیرتر می‌شود. بواسطه صلح که از دیرباز به وسیله نیروهای کبیر انقلابی ایران، و پیشاپیش آنها حزب رده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) طرح و در اندک زمانی به خواست مکانی توده‌های محروم تبدیل شده است، اکنون بش‌از پیش با آرجان‌های دیرینه مردم ما، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پیوند خورده است.

اینک کاملاً روشن است که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، از رابیط ناشی از ادامه توسعه‌طلبانه جنگ ایران و راق، در راه تحقق طرح‌های توسعه‌طلبانه و جاوزکارانه خویش بیشترین بهره‌برداری ممکن ا به عمل آورده است. در این شرایط مبارزه در اه صلح عادلانه، پیش از همه خصلت بدامپریالیستی به خود می‌گیرد. لازمه مبارزه واقعی در راه

## نتایج انتخابات بیانگر شکست سیاست‌های حاکمیت جمهوری اسلامی

صفحه ۸

## حق اعتصاب زحمتکشان باید به رسمیت شناخته شود!

مشترک و متشکل کارگران یک یا چند واحد علیه استثمار وحشیانه حاکمان و حول خواست یا خواست‌های مشترک، به همین دلیل هر اعتصابی، هرچند کوچک و کوتاه مدت، آگاهی‌بخش و تجهیزگر است. به همین دلیل هم دولت نماینده بقیه در صفحه ۱۰

“اعتصاب مکتب نبرد است.”  
لنین  
کارگران و زحمتکشان ایران در طول مبارزات ۷۰ ساله خود بارها مجبور شده‌اند جهت احقاق حقوق خود به اعتصاب توسل جویند.  
اعتصاب وسیله‌ای است جهت اعتراض

## به یاد سالروز شهادت قهرمانانه رفیق کارگر شهید حسن حسین پور تبریزی پرنده‌ای که بر بال‌های خونین خود اوج گرفت!

صفحه ۷

## به مناسبت ۱۱ خرداد، روز جهانی کودک سهام کودک ایرانی از انقلاب: استثمار، مرگ، محرومیت!

صفحه ۴

## سازمان‌های مترقی بین‌المللی: جان زنان در بند را از چنگال دژخیمان جمهوری اسلامی نجات دهیم!

صفحه ۲

## پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

## سازمان های مترقی بین المللی:

# جان زنان دربند را از چنگال دژخیمان جمهوری اسلامی نجات دهیم!

## هندوستان



نشست عمومی "فدراسیون زنان هند" در شهر دادران با صاف قطعنامه ای برای چندمین بار رفتار وحشیانه حکومت جمهوری اسلامی در قبال آزادی خواهان ایران و به ویژه اعمال شکنجه فشار بر زندانیان خردسال و زن سیاسی در بند، شدیداً اعتراض و پایان دادن به این جنایات خواستار گردید.

فدراسیون همچنین، ضمن تجدید همبستگی با خواهران زندانی که به آنان اطمینان داد که زده سراسر جهان تا رسیدن به آزادی ایشان، از پای نخواهد نشست و با وجود کوشش مذبحخانه رژیم جمهوری اسلامی پایمال کردن حقوق حقه انسانی ایران سرانجام حق و عدالت پیس خواهد شد.

در قطعنامه به حکومت جمهوری اسلامی نیز هشدار داده شده است که هرچه زودتر کلیه زندانیان سیاسی مترقی را آزاد و حق دمکراتیک مردم ایران را رعایت کند.

● گروهی از شخصیت های سیاسی حقوقی و علمی هندوستان، ضامضامی متن های اعتراضی در موبم پیگرد، شکنجه و کشته آزادی خواهان ایران، حمایت بی دریغ خود را از تلاش نیروها مترقی سراسر جهان به منظور نجات جان زندانیان سیاسی ایران و ویژه زنان و کودکان در بند، اعلام داشتند. از جمله این شخصیت ها آقایان تری و نو. دبیرکل اتحاد سراسری کارگران هندوستان و اناماتی و ایل. ر. چوری، به ترتیب بقیه در صفحه

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، طی اقدامات دفاعی برای نجات جان زندانیان سیاسی و افشای جنایات حکومت در حق زنان و کودکان زندانی و از جمله اعضای تشکیلات، همواره درخواست آزادی آنان یا فشاری کرده و در این راه از پای نخواهد نشست. اعلام پشتیبانی و حمایت پر شور محافل مترقی بین المللی و به طور خاص سازمان های زنان، صلح و ... از فعالیت های تشکیلات در این راه و ابراز همبستگی آنان با زندانیان سیاسی میهن ما، پشتوانه والای این سازمان در پیشبرد مبارزه به خاطر نجات جان زندانیان از چنگال دژخیمان جمهوری اسلامی بوده و است.

بی تردید مردم میهن ما سرانجام با یاری این همبستگی بی دریغ که مرزهای بین المللی را در هم شکسته، درهای سیاه چال های رژیم را خواهند گشود.

در زیر، توجه شما را به پاره ای از اقدامات محافل بین المللی در زمینه ابراز همبستگی با زنان زندانی میهنمان جلب می کنیم:

## فرانسه

در تاریخ اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، فراخوانی از طرف کمیته همبستگی با زنان سیاسی زندانی ایران در تولوز منتشر شد. طی این فراخوان، بار دیگر جنایات حکومت جمهوری اسلامی در حق زنان و کودکان که در بازداشتگاه ها و سلول های شکنجه به سر می برند، افشاشد و از کلیه سازمان های مترقی و مردم آزادی خواه فرانسه خواسته شد با تشدید اقدامات خود علیه ستم های اعمال شده بر این افراد بی گناه و

یکی از اقتضات حکومت جمهوری اسلامی، کثرت زنان زندانی آن است. زنان میهن ما که فعالانه در روند انقلاب بهمن ۵۷ شرکت داشته و با فداکاری و ایثار از هیچ گونه کوششی در راه به سر رساندن اهداف مردمی انقلاب فروگذار نکردند، اکنون به جای رسیدن به آزادی و کسب حقوق حقه خویش، به جرم دفاع از حق و عدالت و طلب رفاه و سعادت که سردمداران جمهوری اسلامی برای خانواده، فرزندان و مردم میهنشان وعده داده بودند، در بند دژخیمان رژیم و ستم و آزار آنان گرفتار آمده اند.

حکومتی که تحت سلطه آن، شمار زندانیان دگراندیش چنین ابعاد بی سابقه ای کسب کرده و به خصوص از جهت تعداد زنان زندانی و اعمال روش های مخوف شکنجه، کوی سبقت را از هم طرازان دیکتاتور خود در جهان ربوده است، جهت استقرار پایه های ضد مردمی خود تنها به ارتکاب جنایات امید بسته است. حاکمیت جمهوری اسلامی با به بند کشیدن، شکنجه و کشتار زنان باردار و مادران و زجر اطفال خردسال از سویی و اودار کردن آنان تحت شکنجه های جسمی و روحی به تکرار آنچه جلادان دیکته می کنند از سوی دیگر، داغ تنگ ابدی برای خود خریده است.

به همان نسبت که جنایتکاران بربرمنش حاکم بر ایران، تازیانه های انتقام خود را هرچه محکم تر بر پیکر مردم ستم دیده ما فرود می آورند، خشم انسان های آزاده در میهن ما و جهان نسبت به این اعمال و هم دردی و همبستگی نیروهای مترقی با مردم ما و زندانیان رژیم بالا می گیرد.

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

# جان زنان دربند را از چنگال...

کلای برجسته ایالت تامیل نادو و نهر بمبی و پرفسور پارتاکراتی، ستاد سرشناس رشته قضایی دانشگاه کارناتاگانا هستند.

در میان امضاء کنندگان، همچنین ساسی رییس شورای نویسندگان و بیر اول شورای نویسندگان جوان ایالت کرولا، مسئول کمیته شهری کلیکت، دبیر انجمن نویسندگان ترقی کرولا، اعضای جامعه زنان مکررات کلیکت و زنان عضو سازمان صلح و همبستگی هندوستان هم چشم می خورد.

● طی برگزاری جلسه "سازمان صلح و همبستگی" در کلیکت طعنامه ای به تصویر رسید که در ضمن ابراز نگرانی اعضای سازمان از سربوشت نان دگراندیش زندانی در ایران، طع فوری شکنجه ها و آزادی آنان نواسته شد.

● شرکت کنندگان در مراسم زنگاری دهمین سالگرد تأسیس اتحادیه جوانان دمکرات بحرین "ر شهر یونان، طی صدور قطعنامه ای، عمال ضدبشری حکومت جمهوری اسلامی را علیه آزادی خواهان ایران و به ویژه زنان زندانی و کنجه و کشتار آنان را شدیداً محکوم کرد و از مراجع حقوقی بین المللی خواستار رسیدگی به وضع زندانیان و تلاش در راه آزادی نان گردید.

## سپانیا

بنا به دعوت حزب سوسیالیست اسپانیا، شعبه کاتالونیا و با شرکت مسئولین سازمان زنان این حزب جلسه ای به منظور بررسی وضعیت زن ایرانی و اوضاع کنونی ایران در بارسلن برگزار گردید. در این جلسه نماینده تشکیلات مکرراتیک زنان ایران در این شهر، پیرامون وضع اسفبار زنان سیاست های ارتجاعی حاکمیت جمهوری اسلامی در مورد آنان و رضیحاتی داد و به سوالات شرکت نندگان پاسخ گفت. حاضرین در جلسه، طی صدور قطعنامه ای، لغو و انین عقب مانده در مورد زنان و ایان دادن به شکنجه و آزار زنان

سیاسی زندانی در میهن ما را خواستار گردیدند.

● در کلوپ زنان بارسلن کنفرانسی به منظور تجلیل از مبارزات و فداکاری های اعضای دریند تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در راه حفظ و تحکیم دست آوردهای انقلاب و تأمین حقوق زنان زحمتکش تشکیل شد که در آن گروه کثیری از نیروهای مرقی این شهر، از جمله نمایندگان حزب سوسیالیست متحده کاتالونیا، سازمان عفو بین المللی و سازمان ملل متحده-شعبه کاتالونیا، مسئول تشکیلات زنان حزب سوسیالیست اسپانیا در کاتالونیا و مسئول جنبش زنان این ایالت شرکت داشتند. شرکت کنندگان در کنفرانس متفقا، اعمال تفضیقات رژیم جمهوری اسلامی بر زنان دگراندیش و زجر و شکنجه زنان زندانی به ویژه اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان را محکوم نمودند.

## سوئد

۲۶ سازمان مرقی در استکهلم و گروه های زنان شهر آملو طی امضای طومارها و کارت های اعتراضی و ارسال نامه به مقامات جمهوری اسلامی، اعمال روش های غیرانسانی حکومت جمهوری اسلامی در قبال زنان ایران را محکوم کردند و آزادی بلاد رنگ آنان را خواستار شدند.

سازمان ها و گروه های زیر نیز، ضمن امضای قطعنامه ای که از طرف تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در سوئد تهیه شده است، خواستار انتشار لیست کامل زندانیان دمکرات، عزیمت هیاتی به ایران، جهت بررسی وضع آنان از نزدیک و پایان دادن به شکنجه ها و آزادی آنان گردیدند:

- سازمان زنان حزب چپ کمونیست های سوئد
- سازمان سندیکایی فردریک پرومر
- سازمان زنان چپ سوئد
- سازمان زنان حزب کمونیست کارگری سوئد
- سازمان زنان کرد در سوئد
- سازمان زنان یونان در استکهلم
- گروه خانه زنان سوئد.

# تعطیل ۱۳ مدرسه متعلق به آرامنه توسط جمهوری اسلامی

این تفضیقات با اعمال محدودیت گسترده تر و همه سویه تر از سوی مسئولان وزارت آموزش و پرورش، به رقم "وعده های" مقامات مسئول صدر حاکمیت، با مقرر ساختن تدریس دروس دینی مسیحی به زبان فارسی با استفاده از کتبی که از سوی مسئولان "مسلمان" وزارت آموزش و پرورش تدوین شده بود تکمیل شد.

این اقدامات اگرچه با مقاومت

در هفته های اخیر سیاست تفضیقی و اعمال فشار حکام مرتجع جمهوری اسلامی، به ویژه مسئولان وزارت آموزش و پرورش در مورد مسائل فرهنگی اقلیت های ملی و مذهبی ساکن در ایران حدت خاصی به خود گرفته و تشنج در محافل اجتماعی و محلات سکونت آنها را سبب شده است.

این سیاست ها از سال های اول انقلاب در مورد هم میهنان ارمنی ما



هم وطنان ارمنی ما همراه بود همچنان ادامه یافت، پافشاری و اصرار مسئولان مرتجع وزارت آموزش و پرورش و سکوت رضایت آیز رهبران جمهوری اسلامی نگرانی محافل اجتماعی و مردم زحمتکش ارمنی را سبب شد و به تشنجات و اعتصابات طولانی در مدارس و محلات ارمنی نشین تهران انجامید.

اخیرا مسئولان وزارت آموزش و پرورش تنها ۲ ساعت تدریس زبان ارمنی را در برنامه های درسی مدارس ویژه آنان مجاز شمرده اند و حتی در برخی از مدارس، همچون کوشش و مریم از آوردن کتاب هایی به زبان ارمنی به کلاس های درس

و مدارس آنها همواره حادثه آفرین بوده است. مسئولان وزارت آموزش و پرورش به اشکال گوناگون به ویژه از آن زمان که پرورش مسئولیت این وزارت خانه را به عهده گرفت، کوشیده اند بر حقوق قانونی اقلیت های ملی ساکن ایران که در حق تدریس به زبان مادری و آزادی انجام آداب و رسوم ملی و مذهبی خود تظلمور یافته بود، خدشه وارد کنند و تا حد ممکن آن را محدود سازند.

تعمیش مدیران ارمنی مدارس، انتصاب مدیران "مکتبی" به جای آنان و ممنوع ساختن مدارس مختلط، گام های اول این یورش به حقوق آرامنه ساکن ایران به حساب آمد.

## به مناسبت ۱۱ خرداد، روز جهانی کودک

## سهم کودک ایرانی از انقلاب:

## استثمار، مرگ، محرومیت

یازدهم خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک است. اولین بار فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان در سال ۱۹۲۹، این روز را به عنوان روز بین‌المللی دفاع از کودک و حقوق او برگزار کرد. بسیاری از کشورهای جهان برای بسط افکار عمومی در راه دفاع از کودک، علیه استثمار کودکان، حفظ تندرستی آنان و تحقق بخشیدن به آموزش و پرورش دموکراتیک کودکان در شرایط حفظ صلح، برای به رسمیت شناختن این روز اقدام کردند.

بیستم نوامبر ۱۹۵۹، سازمان ملل متحد با توجه به وضع رقت‌بار اکثریت کودکان در جهان سرمایه‌داری و کشورهای در حال رشد، "اعلامیه کودک" را به تصویب رساند که اصول ده‌گانه آن، رفع تبعیض از کودکان، ایجاد شرایط لازم برای رشد سالم جسمی، فکری، اخلاقی، روانی و اجتماعی آنان، حق تغذیه، مسکن، آموزش و پرورش رایگان و اجباری، حق تفریح، مراقبت‌های پزشکی، تأمین شرایط ضرور برای شکوفایی متعادل شخصیت کودک و حمایت از او در برابر خشونت و استثمار را توصیه می‌کرد.

بسیاری از کشورها، منجمله ایران، اعلامیه حقوق کودک را پذیرفتند، اما گامی در جهت بهبود شرایط زندگی کودکان برنداشتند. امروز از زندگی کودکان ایران در دوران رژیم ضد مردمی پهلوی و استثمار وحشیانه کودکان، فقر و بی‌سوادی اکثریت مردم، رواج فساد و تباهی و تحمیل فرهنگ منحل سرمایه‌داری در آن زمان سخن نمی‌گوییم. سخن بر سر آرزوهای برپا رفته میلیون‌ها کودک محروم ایرانی پس از پیروزی انقلاب پرشکوه بهمن ماه است.

انقلاب عظیم و مردمی بهمن، کودکان را از فضای سموم تبلیغات امپریالیستی رها کرد و آنان را به مدرسه، خیابان و تظاهرات

فراخواند. کودکان با دست‌های کوچک خود بر دیوارها شعار نوشتند و در برابر سرب مذاپ تفنگ‌های شاه معدوم، فریاد سرخ آزادی سردادند. کودکان و نوجوانان ایران در روزهای ۱۷ شهریور و ۱۲ آبان حماسه آفریدند و خون پاک خود را نثار نهال نوپای انقلاب کردند.

امروز پس از گذشت نزدیک به ۶ سال از پیروزی انقلاب که شاخص آن بازگشت همه دشمنان مردم و سلطه و استقرار مجدد ارتجاع و نوسازی نظام وابسته به امپریالیسم است، وضعیت کودک ایرانی، تفاوتی با گذشته ندارد.

"امروز زندگی اکثریت کودکان ایرانی ماجرای اندوه‌زای شب سیاهی است که در آسمان آن ستاره‌ای هم کور سوزنی‌زند. حیات نوپایشان در میان مرداب‌های فقر و جهل و بیماری گذر دارد و به جای عطر دلپذیر نیک‌بختی، گند حرمان و غم نیستی در مشام جانشان می‌نشیند." نگاهی به عرصه‌های گوناگون زندگی پررنج کودکان ایران، شاهد این مدعاست.

## کودکان و کار

بیش از صد هزار تن از خردسالان میهن ما در کوره‌پزخانه (کارگاه‌های قالی‌بافی، کارگاه‌های کوچک صنعی، در مزارع و کشتزارها و کارهای دشوار از قبیل بازربری و غیره کار می‌کنند. کارفرمایان از نیروی پازوان نحیف کودکان بیشترین سود را می‌برند و نیروی کار آنان را به ثمن بخش می‌خرند و تا آخرین درجه ممکن شیره جان و توانشان را می‌کشند. سوءاستفاده از کار کودکان سود فراوانی به جیب غارتگران سرازیر می‌کند. زیرا کودکان بی‌بیمه نیستند، ساعات کارشان محدود نیست، کارفرما به رعایت ضوابط ایمنی در محیط کار آنان ملزم نیست و دستمزدشان بسیار ناچیز است. کودکان ما در جهنم سرمایه‌داری،

طعم دوران شیرین کودکی را نمی‌چشند. این "آدم‌های بزرگ" با سن کم و چهره کودکانه اما درم شکسته، گاه به تنهایی بار مخارج زندگی خانواده‌شان را به دوش می‌کشند.

روزنامه اطلاعات، ۱۷ اردیبهشت ۶۲ می‌نویسد:

"... کارفرما، کارگاه را به کارگر ۱۱ ساله اش می‌سپارد. در همین هنگام کودک ۶ ساله‌ای ... برای بازی وارد کارگاه می‌شود و

انگشتان دودست او لای پره‌های دستگاه پرس قرار می‌گیرد و انگشتان دودستش متأسفانه (۱) قطع می‌شود..."

ماجرای این اندازه کافی دلخراش و بیش از آن روشن است که نیاز به تفسیر داشته باشد.

## شیرخوارگاه و مهدکودک

امروز در ایران تعداد زنان کارگر، کارمند، آموزگار و شاغلین امور بهداشتی به صد‌ها هزار تن می‌رسد. در شرایط سرمایه‌داری، میان اشتغال زن و انجام وظایف مادری تضاد پدید می‌آید. در نتیجه فقدان وسایل لازم برای نگهداری کودکان، در ساعاتی که مادران به کار اشتغال دارند، کودکان به حال خود رها می‌شوند و یا ساعات روز را نزد کسانی می‌گذرانند که صلاحیت تربیتی و نگهداری کودکان را ندارند. در چنین شرایطی

طبیعی است که هم جان و هم پرور آنان به مخاطره می‌افتد.

در کیهان ۲۸ فروردین می‌خوانیم:

"کودک ۵ ساله ... به عدل برخورد با چراغ خوراک‌پزی، ظرف آب‌جوش روی او ریخت و بآه سوختگی شدید او شد."

و در همین شماره گزارش دیدی حاکی است:

"کودک ۲ ساله هنگام بازی بچه‌های همسایه، دستش لای درآه



منزل ماند و یک بند انگشت او قطع شد."

مسئولین جمهوری اسلامی نه تنها راه تأمین امکانات نگهداری کودکان در سنین قبل از دبستان نمی‌کشند، بلکه عملاً بسیاری مهد کودک‌ها را در ادارات کارخانه‌ها تعطیل کرده‌اند. پاه مسئولین دانشگاه تهران به زنا دانشجویی که تأسیس مهدکودک خواستار شدند، نمونه روشنی تلقی رژیم نسبت به مسئله کودکان کار و تحصیل مادران است: "خواهران یا درس بخوانند یا خانه بنشینند و بچه‌دار کنند!" (زن روز-۲۶ آذر ۶۲).

در تهران، با ۹ میلیون جمعیت تنها ۱۱۰ مهدکودک مجاز فعالیت دارند (کیهان-۱۵ فروردین ۶۲). هزینه نگهداری کودکان، مهدکودک‌های خصوصی چنان بقیه در صفحه ۱

# سهم کودک ایرانی از انقلاب:

## استثمار، مرگ، محرومیت!

بقیه از صفحه ۴

### دشواری های آموزش

کودکانی که به مدرسه می روند در هرگام با مشکلی روبرو هستند. به علت ناتوانی مسئولین در برنامه ریزی و پیش بینی های لازم و اخراج هزاران معلم دلسوز و علاقمند به جرم دگراندیشی، اغلب مدارس با کمبود معلم روبرو هستند. مسئولین قشری آموزش و پرورش این کمبود را در شهرها پایه کار گماردن جوانان بی تجربه و غالباً دست چپین شده جبران می کنند. زن روز - ۹ مهرماه ۶۲، گوشه کوچکی از این فاجعه را گزارش می کند:

"هم اکنون در مورد معلمین حق التدریسی، خود مناطق مستقلاً علا می کنند و به همین دلیل

به مثابه "امکانات لوکس" تلقی می شوند. دانش آموزان حتی فکر چنین امکانات آموزشی را به مخیله خود راه نمی دهند. دانش آموزی از شوشتر چنین می نویسد:

"در مدارس شوشتر، میز و نیمکت وجود ندارد و محصلان بر روی زمین می نشینند و درس می خوانند. به خدا قسم همه محصلان از پا درد می نالند. اگرما امیدهای انقلاب هستیم پس چرا به فکر ما نیستند؟! (زن روز - اول بهمن ۶۲).

برمه این مسایل باید کیفیت نازل تدریس، بلبشوی کتاب های درسی، مدارس مخروبه، کلاس های هشتاد نفری و رواج تنبیه بدنی و... را افزود.

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی سلطه حکومت قرون وسطایی خود را بر پایه توسعه جهل و خرافه پرستی استوار کرده است. تنها ۲/۳ درصد از بودجه کشور



در سال ۶۲ به آموزش و پرورش اختصاص داده شده است. این دیو از روشنایی دانش می هراسد.

### نه پزشک، نه دارو، مرگ ارزان ترین راه است!

در ایران که نظام سرمایه داری وابسته از شیره جان زحمتکشان تغذیه می کند، هیچ نهاد دولتی و اجتماعی خود را موظف به پاسداری از جان کودکان نمی داند. نسلی که سازنده فردای میهن ما است، گاه قبل از آنکه دست نوازشگری او را در پناه بگیرد، طعمه مرگ می گردد. آمار مرگ و میر بین کودکان زیر یک سال در کشور به طور متوسط ۱۰۴ نفر در هزار است که در روستاها به حدود ۱۲۰ در هزار می رسد. آمارهای دولتی و اظهارات مقامات مسئول جمهوری اسلامی که به یقین رنگ و لعاب تبلیغاتی به چهره دارند، عمق فاجعه را نشان می دهند.

ملوک الطوائفی مناطق، بازار عجیبی از باندبازی و روابط فامیلی و اعمال سلیقه های مختلف که بر ضابطه ها حاکم شده اند به راه افتاده است. در بعضی مناطق جوان بیست ساله بی صلاحیتی را که تا چندی پیش دانش آموز بوده حکم مدیریت داده اند."

وضع تهران، پایتخت جمهوری اسلامی که چنین باشد، وضعیت روستاهای محروم معلوم است! چندی پیش وزیر آموزش و پرورش اعتراف کرد:

"از ۶۲ هزار روستای کشورمان، هم اکنون ۲۵ هزار روستا با کمبود معلم مواجه است" (کیهان - ۱۷ آبان ۶۲).

به عبارت ساده تر این روستاها معلم و مدرسه ندارند. امکانات و تجهیزات مدارس، چون کتابخانه، آزمایشگاه، زمین ورزش، سالن سخنرانی و سینما و...

سراسر آور است که فقط مقدودی از کودکان خانواده های مرفه می توانند از این امکان استفاده کنند. حافظین منافع نامشروع سرمایه داران و زمین داران بزرگ، ضمن استفاده بی رحمانه از نیروی کار کودکان و کوشش در راه قانونیت بخشیدن به این سوءاستفاده وحشیانه، از طریق تدوین و پیشنهاد پیش نویس های ارتجاعی قانون کار از هر نوع سرمایه گذاری برای تأسیس شبکه شیرخورگاه و کودکستان ها شانه خالی می کنند.

### ۵ میلیون کودک بیسواد

از ابتدای پیروزی انقلاب مبارزه با جهل و بی سوادی، به عنوان یکی از مبرم ترین وظایف، در دستور کار قرار گرفت. در دی ماه ۵۸، نهضت سوادآموزی تشکیل شد. کار نهضت، به رغم ادعاها و هیاهوها به علت عدم برنامه ریزی، اتخاذ شیوه های عقب افتاده، انحصارطلبی و قشری گری با شکست روبرو شد. آمار رسمی نشان می دهد به علت عدم فزونی سوادآموزان نسبت به ازدیاد جمعیت، بر تعداد بی سوادان کشور ما افزوده شده است.

مجله شاهد بانوان در دی ماه ۶۲، به مناسبت سالگرد تأسیس نهضت می نویسد:

"در حال حاضر ما شاهد وجود جمعیت بی سواد ۱۵ میلیون نفر در کشورمان می باشیم که از این تعداد معادل ۴/۵ میلیون نفر در شهرها و بیش از ۱۰ میلیون نفر در مناطق روستایی کشور به سر می برند."

همین مجله می افزاید:

"در سال ۶۲، ۸۵/۸ میلیون نفر در تمام کشور مشغول تحصیل بوده اند."

مطابق آمار، ۵۰ درصد جمعیت ایران را کودکان کمتر از ۱۵ سال تشکیل می دهند (کیهان - ۲۳ فروردین ۶۲). چنانچه تعداد کودکان زیر ۷ سال را از این آمار حذف کنیم، معلوم می شود که بیشتر از ۵ میلیون کودک از نعمت خواندن و نوشتن محرومند. این کودکان که در اکثریت مطلق خود، فرزندان کارگران و دهقانان هستند به جای آنکه درس معلم بیاموزند به بازی کار بدل می شوند و به دام استثمار می افتند.



منافی وزیر بهداشتی به مناسبت هفته بهداشت جهانی گفت:

"ما در سال ۲۸۰۰۰۰ مرگ و میر زیر ۵ سال داریم که ۸۰ هزار نفر از این کودکان که سرمایه های مملکت ما هستند، فقط با یک اسهال ساده از بین می روند."

وی ادامه می دهد:

"ما بیش از ۱۰۰ هزار کودک را در اثر بیماری های واگیر شناخته شده، مثل سرخک و فلج اطفال و دیفتیری در سال از دست می دهیم" (کیهان - ۸ فروردین ۶۲).

این تلفات وحشتناک بین کودکان با یک برنامه ساده واکسیناسیون قابل پیش گیری است.

امکانات پزشکی و بیمارستانی عمدتاً در تهران متمرکز شده است. عده قلیلی از افراد مرفه و متمکن، از بخش اعظم امکانات استفاده می کنند، در حالی که زحمتکشان شهری، ساعت ها در صف های طولانی در انتظار پزشک و دارو باقی می مانند. اکثریت قریب به اتفاق روستاییان اصولاً به پزشک و دارو دسترسی ندارند. شرایط بهداشتی، حتی در شهرهای بزرگ، آنچنان اسفبار است که در روزنامه های مجاز نیز انعکاس می یابد. یکی از پزشکان اهواز می گوید:

"شیوع بیماری های آمیبیاز و اسهال باسیلوز در اهواز طی دو سال اخیر به اوج رسیده و بیشتر کودکان به آن مبتلا هستند" وی علت آن را "... به خصوص در نقاط محرومی چون شیلنگ آباد، حصیرآباد و دیگر حاشیه های فقیرنشین شهر، وجود گنداب ها، مرداب های روپاز و متعفن، دام هایی... در خانه نگهداری می شوند... وجود حیوانات ولگرد که به انواع

بقیه در صفحه ۱۵

## با تصویب قانون تازه‌ای؛

# مالکیت دهقانان بر ۱ میلیون هکتار زمین لغو شد

چندی پیش مجلس شورای اسلامی ماده واحده‌ای را از تصویب گذراند که به موجب آن "از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به مالکیت درآمده باشد به وقفیت غیر موقوفه گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است" (اطلاعات - ۲۹ فروردین ۱۳۶۳).

تصویب بی‌سروصدا و سریع این قانون غیرمنتظره‌ای که به موجب آن ده‌ها هزار تن از زحمتکشان میهن ما دست‌رنج ده‌ها سال زندگی خود را از دست دادند، لکن منگی بر کارنامه نخستین دوره مجلس بود. دایره شمول قانون، صدها هزار هکتار از بهترین اراضی زراعی و صدها هزار باب خانه و مغازه را در بر می‌گیرد. صاحبان این اموال که اکثریت قاطع آنان را دهقانان، کسبه و صنعتگران خریده یا تشکیل می‌دهند، بهای این املاک را طی سال‌ها به‌بهای کمرسنگی زن و فرزندان و حراج دار و بندار خویش، به قیمت روز پرداخته‌اند. با توجه به کاهش ارزش پول و چندبرابر شدن قیمت املاک و مستغلات، حتی در یک معامله مشروع برای بازپس گرفتن این اموال از صاحبان آنها، می‌بایست بهای آنها به قیمت امروز محاسبه و باز پرداخت شود. اما تصویب کفایت‌کن قانون، ملی‌رغم این واقعات، صاحبان این املاک را مستحق قضاوت کرده و بهای اموال آنها را به نرخ ۱۵ - ۱۰ سال پیش به عنوان مال‌الاجاره محاسبه کرده‌اند و به این ترتیب زبانی چندباره را به این زحمتکشان تحویل کرده‌اند (ر.ک: "راه توده" شماره ۱۸۸، جنبه دهقانی).

بسیار پرمعناست که حکومتی که مالکیت کلان فئودالی را که محصول غضب و زورگویی و مردم‌کشی نسل ایدرنسل خانها و ملاکین است "مشروع" و "مقدس" می‌داند، حق مالکیت زحمتکشان و مالکان خریده یا رباچین خیره‌سری زیر پا می‌گذارد. در کشوری که تصویب قانونی برای خرید املاک بزرگ مالکان و فروش آن به دهقانان

بی‌زمین و تهی‌دست (قانون توقیفی اصلاحات ارضی)، چنان مقاومتی را در میان مراجع تقلید و مجلسیان و دولتمردانش برانگیخت که به توییح اکثریت ضعیف مجلس و سلب حق قانونگزاری آزاد از آن انجامید، تصویب قانون برای غارت زحمتکشان چنین به سهولت ممکن است. در کشوری که هر چشم زخمی به

قانون که دست مجریان را در خلع ید از صاحبان املاک باز می‌گذاشت در مراحل نهایی تصویب حذف شده اخبار مختلف حاکی از بازپس گرفتن زمین از دهقانان به استناد این قانون است. برای نمونه از پوشهر خبر می‌رسد که صدمه‌کنکار از اراضی مزروعی و باغ‌های منطقه از دست "افراد غیرمسئول" خارج



مالکیت بزرگ سرمایه‌داری و زمین‌داری، موجب آن می‌شود که فریاد "والسلاما" در دفاع از "تقدس مالکیت" از صدرا تا ذیل هیأت حاکمه آن را ببلرزاند، تصویب قانون برای سلب مالکیت از زحمتکشان، با کمترین مقاومتی در قوای سه‌گانه‌اش رویرو می‌شود. عملکرد قانون در چهارچوب سلب مالکیت حقوقی از زحمتکشان به خسارت کلانی که از این طریق متوجه آنان شده است محدود نمی‌شود. با وجود آنکه تبصره ۵ این

شده است (اطلاعات - ۲۵ فروردین ۱۳۶۳). می‌توان تخمین زد هنگامی که تنها در پوشهر که منطقه کشاورزی محسوب نمی‌شود، صدمه‌کنکار زمین به استناد این قانون از اختیار دهقانان خارج شده است، اجرای قانون در مناطقی چون خراسان که در آن اراضی مرغوب و پهن‌واری مشمول آن می‌شود، خلع ید مستقیم از دهقانان نیز ایجاد قابل توجهی خواهد داشت. رییس سازمان اوقاف خود به آغاز مقاومت‌های دهقانان و صاحبان

املاک در برابر اجرای "قانون اعتراف دارد" (اطلاعات - ۲۳ اردیبهشت ۶۳). تصویب این ماده واحده و اجرای آن که به شکل ویژه خویش در جهت تثبیت مالکیت بزرگ بر زمین است، سیاه اقدامات ضددهقانی حاکمیت جمهوری اسلامی را گسترش می‌دهد و به کارنامه آن پیش از پیش محتوای پررؤا - ملاکی می‌بخشد.

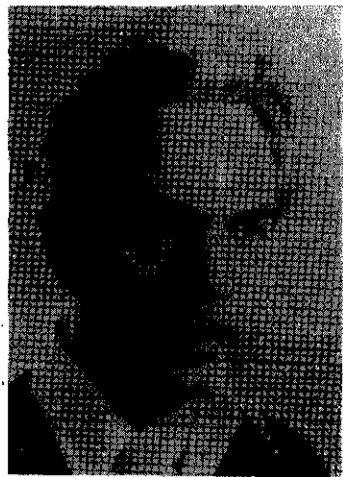
برای جمع‌بندی این کارنامه و محاسبه، برآیند اقدامات رژیم، هنوز باید منتظر تکلیف نزدیک به ۸۰۰/۰۰۰ تا یک میلیون هکتار زمین که به طور موقت از طریق شوراها کشت در اختیار دهقانان قرار دارد بود، اما از هم اکنون تصویب این ماده واحده را می‌بایست. به عنوان اقدامی تثبیت‌یافته و در حال اجرای ضددهقانی، با دامنه اثر وسیع ارزیابی کرد.

### داریی‌های خلق در خدمت زمین‌داران و سرمایه‌داران

یکی از نتایج تصویب و اجرای ماده واحده، افزایش عظیم میزان داریی‌های نهاد "اوقاف" در میهن ماست. به گفته رییس سازمان اوقاف "به طور کلی ۲۸۵۱۹ رقم از موقوفات، ۶۸۸ فقره قراء و مزارع موقوفه عام ۶۰۸۲ فقره زمین توسط رژیم سابق به فروش رفته و تعداد زارعین صاحب نسق بر موقوفات ۲۳۴۴۶ نفر می‌باشد" (همانجا). این داریی‌ها اینک از نظر حقوقی در اختیار سازمان اوقاف قرار گرفته است.

داریی‌های نهاد سنتی "اوقاف" به دلایل انکار ناپذیر متعلق به مردم زحمتکش ایران است و در یک حکومت مردمی می‌بایست به سود مردم و به وسیله مردم اداره شود. اما تجربه صدها سال موقوفه‌داری در میهن ما که در آن براساس حق واقف برای تعیین مقولی در طی نسل‌ها، در واقع مالکیت فئودالی به شکل ویژه‌ای محفوظ می‌ماند و تجربه سال‌های پس

# به یاد سالروز شهادت قهرمانانه رفیق کارگر شهید حسن حسین پور تبریزی پرنده‌ای که بر بال‌های خونین خود اوج گرفت!



زمانی که پیکر مجروح او را در تاریخ ۲۱ اردیبهشت به بیمارستان دکتر شریعتی رساندند لحظه‌ای نگذشت که تمامی کارکنان متوجه حضور یک پیکارگر انقلابی، یک توده‌ای قهرمان در بستر مرگ شدند. به دورش حلقه زدند و او چون همیشه از آرمان‌های دوران ساز و امیدبخش حزب، حزب توده ایران لب به سخن گشود. سخنانش چون آبی زلال در روان تشنه شونده‌گان جاری شد. کمتر از یک روز کافی بود تا همه شیفته گفته‌هایش که برخاسته از دل محروم تک تکشان بوده بشوند. آخر او هیچ نمی‌گفت. جز آنچه زمانی برای اولین بار یک انقلابی پیر در آبادی ورسک برایش سروده بود و حزب توده ایران آن را در وجودش پرورانده بود.

ساعت ۲ بامداد اول خرداد، جسم نحیفش از دم باز ایستاد. صبح آن روز وقتی که کبیر مرگ قهرمانانه رفیق حسین پور در بیمارستان، محله و بین‌دوستان و آشنایانش پیچید سیل خشم و اشک بود که قلب همه را به تپش واداشت. آری رشته جانی که از هم گسست خود بس رشته‌ها گشت برای پیوند خلق. اورفت اما با خورشید آرزوها در دست، در قلب هر مبارز وعده‌ها کرده، بلند می‌خواند:

"شب نیاید که خود آبتن روز دگری ست".

همه برخاسته از روان لطیف اما آشتی ناپذیرش در مقابل خصم بود، در آن سال‌های تاریک امید به فردایی روشن موج می‌زد.

رفیق حسین پور با پیروزی انقلاب و همراه گروه حزبی تحت مسئولیتش به سازمان حزب پیوست و تا پایان، یک دم از تلاش و زحمت در راه آرمانش نایستاد.

رفیق قهرمان حسین پور در یورش خانقاه ۱۷ بهمن دستگیر و به همراه سایر کادرها و اعضا، حزب توده ایران به زندان افکنده شد و تحت شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گرفت. حال دیگر زمان آن بود که با استقامت و پایداری در ایمان به سرتاسر زندگی‌اش، نقطه پایانی دلخواهش را بگذارد و چنین نیز شد. او با پابندی و مقاومتی قهرمانانه، شکنجه‌های هستی‌سوز و طاقت‌شکن دژخیمان جمهوری اسلامی را تحمل کرد و در مرگبارترین لحظات شکنجه نیز، از آرمان خود دست‌نست و تنها به دفاع از طبقه‌ای که خود از آن برخاسته بود و حزبی که او را چنین پرورده بود ابدیشید.

حسین پور که از سوی کمیته ایالتی خوزستان به آن بندر رفته بود، صورت گرفت.

پیکار انقلابی وی تنها عرصه مبارزات سندیکایی را دربر نمی‌گرفت. نوشتن مقاله‌های متفاوت در ارگان‌های مطبوعاتی دمکرات تا قبل از کودتای سال ۳۲ و طبع لطیف وی دست‌درست هم داده و او را عملاً در زمینه نویسندگی و سرودن شعر به پیش می‌راند. پس از کودتای سپاه ۳۲، رفیق حسین پور که برای شرکت در یک دوره آموزش سندیکایی و شرکت در اجلاس‌های به همین منظور به خارج از کشور سفر کرده بود، در پیروت دستگیر و به ایران بازگردانده شد.

هنگامی که در سال ۱۳۳۶ از زندان آزاد گشت به تلاش پرزحمت برای تشکیل گروه حزبی پرداخت و هم‌زمان برای واحد حزبی، نشریه مخفی آرش را منتشر نمود که در آن مقالات سیاسی و قطعات ادبی را به قلم خودش تحریر می‌کرد. در همین سال‌ها او به طور کامل به سوی شعر روی آورد و آثار قابل توجهی از خود به جای گذاشت. در اشعارش که

زیادی گرنهالی زار بشکست  
مرا بالیدنم را بار بشکست  
که را جامی شکست از خام در دست

مرا این جام من خماری بشکست  
"شویید حسین پور"  
و یک سال گذشت. او همان امید دردل محرومان، او همان فریاد حق در گلوی هر زندانی و اعدای، او همان شیون مادرانی که "گاهواره خالی را می‌چنباوند".  
و یک سال گذشت اما عرش به ابدیت رسید که جوانه داد بذر وجودش در سرزمین اندیشه و یاد که به دریا پیوست روان پاکش از بستر بلند نبرد.

به سال ۱۳۰۴ در یادکویه دیده به جهان گشود. پنج سال پیش نداشت که همراه خانواده‌اش به ایران مهاجرت کرد و دوره ابتدایی تحصیل را در شهر رشت گذراند. پدرش دکه کوچک خیاطی داشت و زندگی خانواده‌اش به سختی و در فقر می‌گذشت. رفیق حسین پور در عنوان جوانی در آبادی ورسک به استخدام راه‌آهن درآمد و در همین آبادی بود که در اثر آشنایی با یک انقلابی پیر با آرمان‌ها و اهداف دوران ساز حزب توده ایران آشنا گشت و در سال ۱۳۳۲ به عضویت آن درآمد. از این زمان مسیر زندگی‌اش مضمون کاملاً نوینی یافت. شعور جوانش در اثر پیروزی در دامان حزب توده ایران چنان سرشار از آگاهی به امر طبقه کارگر شد که دیری نپایید به واسطه فعالیت‌های ثمربخشش به عنوان کادر حزب محسوب گشت. پس از اعلام به اصطلاح غیرقانونی بودن حزب در بهمن سال ۱۳۳۷، رفیق حسین پور از سوی حزب به خوزستان اعزام گردید. این امر با نضج جنبش ملی ایران حول شعار ملی شدن نفت هم‌زمان بود. مبارزات طبقه کارگر در بخش صنایع نفت تحت رهبری حزب توده ایران ابعاد چشم‌گیری می‌یافت. اولین اعتصاب پیروزمند و خونین کارگران نفت در بندر معشور که بیش از یک‌ماه به طول انجامید و تأثیر بسزایی در تداوم و گسترش مبارزات طبقه کارگر داشت تحت مسئولیت رفیق

## سنگ نبسته‌ای برگور من

من از فراموشی‌هاست که هستی‌ام را  
باز خواهم یافت.

- افسوس زنده‌ها،

که اگر فراموش بشوند،

تنهایی‌ام، زندگی‌ام برایشان،

تنگ مایه‌تر از مرگ

رقم خواهد زد.

●  
به دیدم:

راه، همیشه از هوای برفی بود...

و اگر از برفی که بر سر روانه‌ها می‌نشید،

مقدورتان بود، بوی بهار نارنج را بشنوید،

بی‌شک

واژه‌ای از من به خاطر تان خواهد چکید که مرا

به شعرهای نیمه تمام

فرا خواهد خواند

اکنون که یگانگی من با خاک فراهم است،

و ناهمواری راه‌تان

بر شقیقه‌هایم،

انتظار شما را

دعاگوی دیگری هستم.

حسن حسین پور تبریزی - آذرماه ۱۳۳۲

# نتایج انتخابات بیانگر شکست سیا

نتایج کلی انتخابات فرمایشی دومین دوره مجلس شورای اسلامی اعلام شد. در ۱۲ حوزه از ۱۲ حوزه کل، انتخابات در مرحله اول به اتمام رسید و در ۸۴ حوزه، سرانجام انتخابات به طور کامل به دور دوم موکل شد. همچنین برخی از نمایندگان ۱۷ حوزه، معین شدند و انتخابات برخی دیگر به مرحله دوم موکل شد. در مجموع از ۲۷ نماینده مجلس، تنها ۱۲ نفر - یعنی کمتر از نصف نمایندگان در مرحله نخست معین شدند. به دلیل ابطال انتخابات ۱۲ شهر در مرحله اول، تعداد نمایندگان تعیین شده کمتر شد و در پایان مرحله دوم ۲۷ نفر به مجلس راه یافتند.

## مدافعان کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران بیکه تازان میدان انتخابات

این انتخابات فرمایشی در شرایط حکومت خفقان و ترور و احیاء هرچه بیشتر نظام سرمایه داری وابسته و گسترش روند سازش رهبران جمهوری اسلامی با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برگزار شد. در چنین شرایطی احزاب و سازمان های ضد امپریالیست و پیگیر انقلابی، تحت پیگرد وحشیانه و سرکوب خونین قرار گرفته و می گیرند. ده ها هزار توده ای، فدایی و مجاهد در سیاه چال های رژیم، تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قرار داشته و هر روز احکام جابرانه اعدام و زندان های دراز مدت علیه آنان صادر شده و می شود. در چنین شرایطی مدافعان کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران و "معتدین بازار" (که از سوی بالاترین مقام جمهوری اسلامی "استوانه های انقلاب" لقب گرفتند و به شرکت در انتخابات تشویق شدند و از پشتیبانی خاص حجت الاسلام خامنه ای، رئیس جمهور نیز برخوردارند) آزادانه و با تمام امکانات خود در انتخابات شرکت کردند. آنها با ارائه لیست هایی، بازارهای سرشتاس و چهره های شناخته شده مدافع نظام

کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را کاندیدای نمایندگی مجلس کردند. با توجه به این امر طبیعی بود شورای نگهبانی که بارها از شرکت کاندیداهای نیروهای پیگیر انقلابی در انتخابات قبلی مجلس جلوگیری کرده بود، "صلاحیت" نمایندگان "استوانه های انقلاب" و "معتدین بازار" را تأیید کند. حضور این افراد و تدارکات انتخاباتی آنان آنچنان گسترده بود که نماینده قره در سخنان پیش از دستور خود در مجلس گفت: "چهره خان ها در این انتخابات بسیار به چشم می خورد که با حیل مختلف عمل می کردند."

## سرمایه گذاری هنگفت سرمایه داران و زمین داران در انتخابات

یکی از خصوصیات "انتخابات" اخیر، تبلیغات پرهزینه و پرخرجی بود که با زتاب مستقیم فعالیت گسترده سرمایه داران و ملاکین در انتخابات بود. برخی از سران رژیم پیش از برگزاری "انتخابات" ناچار شدند، به عنوان "موعظه اسلامی" به این موضوع اشاره کنند. بعد از برگزاری انتخابات فرمایشی نیز، بسیاری از سران رژیم، نمایندگان مجلس و روزنامه های مجاز این نکته را مورد بحث قرار دادند و "نصیحت" کردند این شیوه ها در مرحله دوم به کار نرود (۱) از جمله یکی از نمایندگان مجلس گفت: "همان طور که ریاست محترم مجلس شورای اسلامی هم در نماز جمعه اشاره فرمودند، نحوه تبلیغات و مخارج تبلیغات انتخاباتی بعضی کاندیداهادر شأن انقلاب و کسانی که می خوانند به عنوان نماینده مستضعفین (۱) برگزیده شوند، نبود. این همه پوسته های گران قیمت رنگارنگ و سرمایه گذاری های چندصد و حتی چند میلیون تومانی برای تبلیغات انتخاباتی در ذهن مردم شهیدپرور ایران سؤال ایجاد کرده است که این پول ها چگونه و از کجا جبران می شود."

اما برگزاری مرحله دوم انتخابات و تبلیغات پرهزینه تر آن، پوچ بودن این "نصیحت" و "موعظه اسلامی" را نشان داد. در واقع ماهیت و شیوه انتخابات فرمایشی از هدف های اصلی آن یعنی قراردادن کرسی های نمایندگان واقعی مردم در اختیار کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و صاحبان مستغلات، جدا نیست و با تهاهی و فساد طبقاتی "استوانه های انقلاب"، پیوند مستقیم دارد.

## افزایش بسابقه تقلب در انتخابات

بازار تقلب به اعتراف آشکار و تلویحی نامزدهای انتخاب شده و شکست خورده و مسئولین گوناگون رژیم در انتخابات گرم بود. در این زمینه فؤاد کریمی، نماینده اهواز گفت: "مستقیم و غیرمستقیم استاندار و فرماندار و حاکم شرع و سازمان تبلیغات و حزب جمهوری اسلامی و بسیاری دیگر (۲) هر کدام به نحوی به تضعیف ما پرداختند... امیدوارم که وزارت کشور با این تخلفات برخورد کرده و... استانداران و فرمانداران مختلف برکنار شوند." دامنه تقلب به حدی بوده است که بالاترین مقام جمهوری اسلامی با دخالت خود تلاش کرد مسئله تقلب در انتخابات را امری بی اهمیت و "پیش یافتاده" جلوه دهد. او با اعلام اینکه: "اگر چنانچه در انتخابات اشتباهاتی شده یا فرضاً تقلبی شده است، خوب مرادی هست که رسیدگی می شود و شورای عالی نگهبان هم یا ابطال می کند یا فرض کنید بعضی صندوق ها را یا اصل انتخابات را، یک مسئله عادی است که در همه جا هست و این امر مهمی نیست"، ضمن تلاش جهت توجیه تقلبات رسوا کننده، دست شورای نگهبان سرمایه داری را به منظور ابطال "انتخابات" آن حوزه هایی که نمایندگان ارتجاعی ترین جناح حاکمیت انتخاب نشده اند و از اعمال نفوذ هرچه بیشتر آن در مرحله دوم، بازگذاشت. ترغیب تقلب های اعمال شده از

سوی جناح های گوناگون و اجباری به آن، پرده از روی مفسده جریان حاکمیتی می به دروغ از "آزادی انتخابا" "فوق دمکراسی" در ایران می زند!

## رای منفی مردم به کاندیداهای رژیم

حاکمیت جمهوری اسلامی داشت "با حربه ارباب و تر با سوء استفاده از باورهای مذ مردم را وادار سازد به کاندید معرفی شده از سوی او دهند. رژیم به رغم این ترغیب تحقق اهداف مورد نظر شکست روبرو شد. این موضوع بررسی نتایج "انتخابات" و از گفته های مسئولین گوناگون نوشته های مطبوعات مجاز می توان دریافت.

اگر چه وزیر کشور، رئیس و دیگر مسئولین ریز و جمهوری اسلامی، به دروغ شده اند تعداد شرکت کنندگان مرحله نخست انتخابات ۲۰ درصد بیش از شرکت کنندگان انتخابات دوره اول مجلس اما آمار ساخته و پرداخته رژیم از کاهش فاحش شرکت کنندگان حکایت مقایسه رقم شرکت کنندگان انتخابات فرمایشی با دهندگان نخستین رفتارند جمهوری اسلامی که نزدیک به ۷۱ میلیون بود - حد نصاب سن در آن ۱۶ و در این "انتخابات" ۱۵ - روشن می کند نیمی از صا رأی به پای صندوق ها نرفته اند از سوی دیگر با در نظر گرفته پلیسی حاکم بر کشور و ناراضیاتی و بی اعتمادی مردم به حاکمیت جمهوری اسلامی شرکت اکثریت مردم در ارائه از سرناگزیری بوده است. واقعیت لکن ننگی بر دامن حاکمیت جمهوری اسلامی است. اما همین مردم آراء خود طریقی به صندوق ها ریخته اند. رأی منفی آن ها به کاندید معرفی شده از سوی اح سازمان ها و جمعیت های واب



# بهای حاکمیت جمهوری اسلامی

ناح مسلط حاکمیت به خوبی مشهود است.

بررسی مختصر آراء تهران، صحت ن حکم را نشان می‌دهد. با فرض مال صحت این آمار، در تهران از ۱ میلیون رأی اعلام شده در دور است، ۱/۸۸ میلیون رأی به فراول در تمام لیست‌های انتخاباتی نور دارد، تعلق گرفته است. یعنی ن از ۴۰۰ هزار نفر به کلیه نندیدهای حاکمیت رأی منفی نه‌اند. از سوی دیگر اختلاف آراء ر اول و دوم که هم از نظر خط اسی و هم از نظر حضور در کلیه ست‌ها، شرایط مشابهی داشتند، ن از ۴۵۰ هزار نفر است یعنی این داد برای فرار از انتقام کشتی‌های سردمداران رژیم فقط به یک رأی داده‌اند. بدین ترتیب بیش ۴۰٪ شرکت کنندگان به نندیدهای رژیم به طور آشکار ی منفی داده‌اند.

از سوی دیگر تعداد آراء نفرات ی نشان می‌دهد به رغم اصرار م رهبران جمهوری اسلامی مبنی رأی دادن به حداکثر افرادی که کن‌است، اکثریت رأی دهندگان این کار امتناع کرده‌اند. با عیست کلیه شیوه‌هایی که مردم ان جهت ابراز رأی مخالف خود کار بسته‌اند، روشن می‌شود که ش از ۷۵٪ مردم به رژیم پاسخ ی داده‌اند.

با توجه به واقعیات فوق سخن تالله موسوی اردبیلی مبنی بر که "در انتخابات متوجه شدید با مردمی آگاه روبرو هستیم و بطور نیست که ما هرچه بگوییم، یند درست است" مفهوم خاصی یابد.

شیوه‌های گوناگون اتخاذ شده از ن مردم جهت ابراز رأی منفی، ت شد در مرحله اول، ۱۴۰ نفر از ناینده انتخاب نشوند و تعیین یف آنان به مرحله دوم موکول . با ابطال "انتخابات" شهرهای گون این رقم به مراتب ایش یافت. این واقعیات نگر شکست حاکمیت جمهوری می و محدودیت پایگاه مای همه جناح‌های آن است.

اگرچه مسئولین گوناگون رژیم

تلاش کردند، این پدیده را به "فوق دموکراسی" حاکم بر ایران مرتبط سازند، اما سخنان جوادی آملی در نماز جمعه تهران این تلاش عبث را برملا ساخت:

"نگذاریم (انتخابات) از مرحله‌ای به مرحله دیگر برسد، زیرا این به حیثیت نظام جمهوری اسلامی بسته است."

آراء منفی مردم در مرحله دوم آشکارتر شد. طبق آمار ساخته و پرداخته رژیم، جمعیت رأی دهندگان در دور دوم، در شهرهای مختلف کشور به حدود نصف تقلیل یافته است. به عنوان مثال در تهران تعداد آراء ادعایی ۲/۳ میلیون مرحله نخست، به ۱/۲۷ میلیون نفر رسیده است. افرادی که در این مرحله شرکت نکرده‌اند و به ۴۵٪ می‌رسند، کسانی هستند که در مرحله قبلی به کاندیدهای رژیم به طور آشکار رأی منفی داده‌اند. از سوی دیگر تعداد آراء نمایندگان حائز اکثریت تهران در مرحله دوم اعلام نشده است. اما چنانچه نسبت آراء آنها در مرحله قبلی را مینا قرار دهیم (که کمتر از ۵۰٪ کل آراء بود) این نتیجه که آنان در بهترین حالت نماینده ۱۰٪ صاحبان حق رأی هستند به دست می‌آید.

## شکست اقتضاح آمیز رسواترین نمایندگان سرمایه‌داران و زمین‌داران

مردم در دور نخست آراء خود را به طریقی به صندوق‌ها ریختند که هارتترین و رسواترین نمایندگان کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان حتی با برخورداری از پشتیبانی بالاترین مقام مملکتی، به شکست فضاحت‌باری دچار آمدند.

شکست نمایندگان مرتجع‌ترین جناح روحانیت، مانند آیت‌الله آذری قمی، دبیر و نامزد جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، واعظی و معزی، قره نوک‌های شناخته شده قعودال‌ها و نمایندگان ابهر و ملایر در مجلس قبلی و تعدادی از نامزدهای معرفی شده از سوی "معتدین بازار" نظیر احمد توکلی، خاموشی، رخ صفت، شفیق، پوراستاد و ... بیانگر این واقعیت

است. حزب حاکم، حزب جمهوری اسلامی نیز در انتخابات پاسخ سیاست‌های ضد مردمی و ارتجاعی خود را از مردم دریافت کرد. به عنوان مثال در اصفهان و اهواز هیچ یک از کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی به مجلس راه نیافتند. مهدی اژه‌ای، دبیر حزب در اصفهان به دور دوم نیز نرسید نعمت‌الله تقاء، دبیر حزب جمهوری اسلامی در فارس از شهر کوچک مرودشت انتخاب نشد.

در این رابطه یکی از نمایندگان مجلس در نطق پیش از دستور خود اعتراف کرد:

"با کمال تأسف تعدادی از بهترین آنان که مهره‌ها و ذخایر فکری اسلامی مجلس محسوب می‌شدند در مرحله اول انتخابات حذف شدند... البته این حذف‌ها و کنار گذاشتن‌های ذخایر مجلس عوامل نیز داشتند که قابل پیش‌بینی بوده. اگر ارگانی در مجلس وجود داشت... که یک برنامه آموزشی حداقل هفتگی در رسانه‌های گروهی می‌داشت... دیگر کسی تحت تأثیر عوامل مخرب و ضد خدا قرار نمی‌گرفت تا نماینده مجلس را به نسبتی که آب و برق و جاده آسفالته به حوزه انتخابیه خود آورده یا نیاورده ارزیابی کند... و جملات توطئه آمیز این نمایندگان چه کار کرده‌اند و اینکه چه گلی به سر شما زده‌اند! هرچه کشیدید از این نمایندگان کشیدید، در بعضی جاها موثر نمی‌افتاد."

## زدوبند هرچه بیشتر مرحله دوم

نتایج "انتخابات" مجلس نشان داد که پایگاه اجتماعی همه جناح‌های حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از پیش محدود شده است و رهبران جمهوری اسلامی با خیانت به آرمان‌های انقلاب، اعتباری در بین توده‌های میلیونی ندارند. مخالفت زحمتکشان با سیاست‌های ارتجاعی سردمداران جمهوری اسلامی که در انتخابات به اشکال مختلف بروز کرد، بحران حاکمیت را بیش از پیش تشدید کرد. در نتیجه هیچ‌یک

از جناح‌های گوناگون درون حکومت از سهم خودراضی نشدند و جناح‌های مقابل را به تقلب متهم می‌کردند. به همین دلیل انتخابات دور دوم که قرار بود ۲۱ اردیبهشت انجام شود به مدت یک هفته به تأخیر افتاد.

در مرحله دوم ارتجاعی‌ترین جناح حاکمیت یعنی جامعه مدرسین قم، روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی و بازاریان و اصناف که از رأی منفی‌توده‌ها بیشترین صدمه را دیده بودند، با کمک شورای نگهبان سرمایه‌داری و ارگان اجرایی انتخابات، یعنی وزارت کشور و با پشتیبانی بالاترین مقام کشور به میدان آمدند. آنها با شیوه‌های گوناگونی نظیر ابطال "انتخابات" برخی شهرها نظیر اصفهان، شیراز، آمل...، زدوبند پشت پرده و تقلب در هنگام برگزاری انتخابات، بسیاری از کاندیدهای خود را از صندوق‌های رأی بیرون آوردند.

به عنوان مثال در تهران، همان طور که قبلاً پیش‌بینی کرده بودیم، دست‌راستی‌ترین افرادی چون: محمد یزدی، انواری، زرگر، اسرافیلیان، زواره‌ای، رهبری، امائی، بادامچیان و نیک روش در مرحله دوم به مجلس راه یافتند. همچنین برای انتخاب نماینده دیگر قم، ابتدا یکی از کاندیدهای جامعه مدرسین قم که در دور قبلی دوم شده بود و با نفر اول ۱۵ هزار رأی فاصله داشت به نفع آیت‌الله آذری قمی که از او "اصلاح" تر بود (بخوان مرتجع‌تر) کنار رفت. در نتیجه انتخابات مرحله دوم آذری قمی به نمایندگی قم انتخاب (۱) شد. رأی منفی توده‌ها در دور نخست باعث شد که رژیم در مرحله دوم چهره پلورالیسم ادعایی و آپکی خود را هرچه بیشتر برملا و آشکار سازد و افراد مورد نظر خود را به مجلس بفرستد.

اما به رغم همه ترفندهای رژیم، روند انتخابات فرمایشی در مجموع خود نشان داد که در چهار چوب تلک همین "انتخابات" نیز مردم حرف‌های بسیاری برای گفتن داشتند.

# حق اعتصاب زحمتکشان

## باید به رسمیت شناخته شود!

بقیه از صفحه ۱

استثمارگران از اعتصاب وحشت دارد. زیرا اعتصاب هم تمام کارگران یک واحد و از طریق آنها کارگران تمام کشور را به حقوق خود آشنا می کند، همه چیز در گرو این قدرت متحد و آگاهی به آن است. یکی دیگر از ویژگی های بسیاری از اعتصابات کارگری پیش آهنگی آن در جنبش عمومی مردم بوده است. با شروع و گسترش اعتصابات کارگری، خصوصا هنگامی که ویژگی بی دربی به خود می گیرند، در واقع آژیر پایان عمر رژیم حاکم به صدا در می آید. به عنوان مثال می توان از اعتصاب کارگران جهان چیت کرج نام برد. ۱۳ سال پیش در اردیبهشت ۱۳۵۰، هنگامی که شاه رژیم خود را "جزیره آرامش" می نامید، کارگران جهان چیت در اعتراض به پایمال شدن حقوق اولیه خویش و با شعار افزایش دستمزد، دست به یک تحصن و اعتصاب سه روزه زدند. سیاست تحقیر و تهدید عوامل رژیم بر کارگران بی اثر ماند و سرانجام کارگران به صورت متشکل، راه پیمایی اعتراضی خود را به سوی تهران آغاز کردند و مقصد خود را "وزارت کار" اعلام داشتند. بیش از چند ساعت از شروع راه پیمایی نگذشته بود که در حوالی کاروانسرا سنگی، مزدوران رژیم با چوب و چماق بر آنان یورش آوردند. این یورش سببانه در عزم کارگران خللی ایجاد نکرد. از این رو مزدوران رژیم بر کارگران آتش گشودند. ۲ تن از کارگران به اسامی حسن نیکوکار، وجیه الله حشم فیروز و علی کارگر شهید و بسیاری دیگر زخمی شدند. مبارزه کارگران بی اثر نماند. به زودی خبر در همه جا پیچید. خون کارگران پرچی شد که به مبارزات اعتصابی سال های بعد انجامید. به طوری که تنها در ماه های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۵۵ جمعا حدود ۲۰ هزار کارگر از ۲۶ واحد صنعتی در اعتصابات مختلف شرکت کردند که مهم ترین آنها اعتصابات کارگران چیت سازی تهران بود. در سال ۵۶، بیش از ۱۴۰ اعتصاب بزرگ و کوچک روی داد و به اعتصاب سراسری سال ۵۷ انجامید و بالاخره طومار رژیم را

درم پیچید.

ویژگی دیگر جنبش اعتصابی کارگران و زحمتکشان تداوم و پی گیری آنها است. تقریبا هیچ گاه در طول عمر ۷۰ ساله جنبش کارگری ایران، مبارزات اعتصابی قطع نشده است. به عنوان مثال هنوز از



سرکوب "شورای مرکزی" و "حزب توده ایران" در سال های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ چندی نگذشته بود که کارگران نساجی شاهی در ۴ اردیبهشت ۱۳۲۸ علیه تقسیم مدیریت مینی بر کاهش دستمزدها دست به اعتصاب زدند. در جریان این اعتصاب و یورش عوامل سرکوبگر رژیم، ۵ تن از کارگران شهید و صدها تن زخمی شدند. هریک از این اعتصاب ها، موفق یا ناموفق، پله ای است در رشد

تجربه و آگاهی طبقه کارگر. در واقع در جنبش اعتصابی، شکست وجود ندارد. هر اعتصاب به ظاهر ناموفق، برای مرحله بعدی مبارزات دست آوردهای بسیاری دارد.

یکی از ویژگی های دیگر جنبش اعتصابی کارگران و زحمتکشان وجود دوره های تسلسل است. در یک صنف، یا در یک منطقه، در یک دوران کوتاه یا طولانی، یک سلسله اعتصابات بی دربی موجب ارتقاء مداوم جنبش می گردد.

به عنوان مثال صنایع نساجی اصفهان خصوصا در سال های اواخر دهه ۲۰ و اوایل دهه ۴۰ صحنه این رشد مسلسل جنبش اعتصابی بود. در خرداد ۱۳۳۸، ۱۵۰۰ تن از کارگران نساجی "وطن" دست به اعتصاب می زنند. این اعتصاب ها در مرحله ۴ خرداد ۱۳۴۰ در کارخانجات شهناز، نختاب و دیگر کارخانجات با شعارهای زیر اوج می گیرد: افزایش دستمزد، استخدام مجدد کارگران اخراجی و... ولی این پایان کار نبود. جنبش اعتصابی مجددا در (۱۱ خرداد ۱۳۴۲ یعنی ۲۰ سال پیش در کارخانه صنایع پشم اصفهان اوج تازه ای می یابد.

طبقه کارگر ایران که اکنون همراه با تمامی زحمتکشان جهت جلوگیری از روند بازگشت انقلاب می رزمند، وارث این سنن عظیم ۷۰ ساله است. امروز طبقه کارگر جهت دستیابی به آرمان های انقلاب ناگزیر است به حربه اعتصاب توسل جوید. اعتصابات مکرر در کارخانجات دخانیات و دیگر کارخانجات، نشانه این واقعیت اند. از این رو همان گونه که در "پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مه" آمده است:

"به رسمیت شناختن حق اعتصاب برای کلیه زحمتکشان" یکی از خواست های اساسی کارگران و زحمتکشان است.

کارگران و زحمتکشان با مبارزات مستمر خود خواهند توانست این خواست برحق را به دست آورند و آن را در عمل تحمیل کنند.

### نامه خوانندگان

● دوست عزیز "ماه" از آلمان غربی! شعرهای "ده ستاره شهید" که به یاد اعدام ده تن از اعضای حزب توده ایران سروده شده و "اتحاد" به دستمان رسید. متشکریم. آری، "ذرات وجود" این عزیزان در "جان ستاره ها" زندگی جاودانه خواهد یافت. همان گونه که خود نیز سروده ای، تنها رمز پیروزی در اتحاد است: "میان دست های من / پلی کن دستهایت را / که رمز فتح ما اینک / درون اتحاد و همدلی باشد."

● رفیق عزیز "بلخش"، دوشهر برای ما فرستاده است که در آنها مانند شعرهای پیشین، قریحه شعری سراینده نمایان است و توان به تصویر کشیدن مضامین مشهود است، به ویژه اینکه با کوتاه گویی و رعایت ایجاز در سرایش شعر موفق است. ما ضمن دعوت به کار و مطالعه جدی شعر، انتظار داریم بازهم برای ما شعر بفرستید. در اینجا پاره ای از شعر شما را که به رفیق شهید "اسدالله ریاحی" تقدیم شده است بازگو می کنیم:

"با تو همراه گشتم / فریاد شدم / با تو نور جستم و / آفتاب شدم / با تو جویدار دل یافتم و / دریا شدم."

● "د. بهروز"، شعری به مناسبت آغاز فعالیت "رادیو صدای زحمتکشان ایران" فرستاده است که در آن، این صدا را "نسیم امید" می داند که همچون "دشنه ای نوین بر قلب سیاه ناپاکان" فرود می آید.

● رفیق "به آیین" شعر طویل شما تحت عنوان "نام" به دست ما رسید. در این شعر که تاریخ خونبار و پرفراز و فرود حزب با صمیمیت و درایت بیان شده است، بیش از هر چیز ضرورت رعایت ایجاز و فشرده گی در آن احساس می شود. باید دریای پرتلاطم اندیشه را در لیوان شعر به گونه ای گنجانده تا خواننده همه طعم و رنگ و بوی دریا را یک جا و در کترین واژگان بنوشد. موفق باشید.

بفرار باد اتحاد همه نیروهای  
ضد امپریالیستی و دیکتاتوریک  
ایران در جبهه متحد خلق

# “حقانیت جمهوری اسلامی” تنهاد اطاق های تمشیت قابل اثبات است

بقیه از صفحه ۱

ندارد، جز: **شکنجه، وسیله “حقانیت” بخشیدن اربیبهشت.**

جامعه ما در جهان شخصیتی والا و شناخته شده است. این دانشمند، فیلسوف، تاریخ شناس و هنرمند... بزرگ که اعتبار اندیشه ها و نظراتش در بالاترین مجامع علمی - ادبی - جهان از وزن سنگینی برخوردار است، شخصیتی نیست که در چارچوب خونین اجرای توطئه های ننگین ارتجاع جمهوری اسلامی بگنجد و مقاصد شوم آنان را برکسی تحقق پنهانند. به عکس، دشمنی دیرینه او با “ستم و نادانی” و نفرتش از این دو “سیاه” ملاموم، حصارهای بلند توطئه را فرو می ریزد و او را فراتر از همه بدخواهی ها و رذالت های سیاست گزاران جمهوری اسلامی قرار می دهد.

“خواستم انسان باشم و دو سپاه را برخویش انگیزم: ستم و نادانی و آتش از دو سنگر برخویش گشودم...”

کارنامه زندگی طبری رنج نامه انسانی است که در تلاشی بی ریا، مبارزه ای دشوار و “دز پارسایی دل”، با خود و عناد خود برای کاری بزرگ “زندگی را می سازد و آرزویی

خوردن نیلگون را برای سراسر انسانیت برپا داشتن، از خود به درآمدن، در هوس های عبث نیوسیدن، خود را برگی از پیشه ای شردن؛ با بارش برکت خیز، فروباریدن، با درخش نگاه، جهان را افروختن. در پهنه تابناک بیداری با هزاران ستاره تافتن و انگشتان شعله ور را شمع آسا به سوی جهانیان برده اشتن...”

طبری “یادگارهای خود را بر دیوارهای جهان نوشته است. ده ها جلد کتاب و صدها مقاله فلسفی، علمی، تاریخی، هنری (شعر و داستان) - اوسم خود را به گنجینه علم، ادب و هنر ایران و جهان پرداخته است و “قبیله رزمندگان”، “کاروان دانش پژوهان”، تاریخ نویسان، هنرمندان، زبان شناسان و همه مردمی که در فردایی روشن می یزند از این “یادگار” ها خواهند آموخت و یاد آن یادگار نویس سترگ را گرامی خواهند داشت.

“اینجاست که ای یگانه سپری به ابدیت می پیبندی و بر مرگ پیروز می شوی...”

**به سیاست های خیانت بار رژیم**

“پیش از یک سال است که احسان طبری، در سیاه چال های رژیم زیر شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارد. دی ماه گذشته، رییس قوه مقننه اعلام کرد که او دچار سکنه مغزی شده و به بیمارستان منتقل گردیده است...”

هنوز ابعاد این فاجعه شوم، به تمامی روشن نشده است، ولی همین قدر هم کافی است تا حرص جانور خویانه بلع انسان ها و عطش خونخواری رهبران جمهوری اسلامی بر همگان روشن گردد. همین قدر هم کافی است تا همه مردم و جهانیان، رژیم حاکمیت جمهوری اسلامی را به مثابه پارتیزترین نمونه حکومتی که به شعار “هدف، وسیله را توجیه می کند” بیشترین اعتقاد را دارد و بنای سیاست و روشش بر آن نهاده شده، بشناسند. آقای صانعی در رابطه با صحنه سازی های رادیو تلویزیونی اخیر می گوید:

“... اینها همه بر اثر حقانیت اسلام و انقلاب اسلامی است...” (اطلاعات - ۲۲)

همه کسانی که دز خرد ادماء ۶۰ منطق صائب، استدلال خدشه ناپذیر، شخصیت احترام برانگیز و تسلط خردمندانه احسان طبری را در “بحث آزاد تلویزیونی” شاهد بودند به حق می پرسند، چگونه این “حقانیت” در آن روز مکتشف نشد؟ این چه رازی است که “کریبندگی منطق جمهوری اسلامی” تنها پشت حصارهای بلند زندان ها و در اطاق های تمشیت کارگر می افتد؟ چگونه است که “حقانیت” جمهوری اسلامی تنها در پناه شکنجه گران و در سیاه چال های بی شمار رژیم جلوه گر می شود؟ پاسخ روشن است و در یک عبارت خلاصه می شود: اعمال شکنجه های هستی سوز و مرگ بار جسمی و روحی ... عبارتی که رهبران ج ۱۰ نیز به آن معتقدند:

“ما نمی خواهیم افراد در زندان با زور معتقد به اسلام و جمهوری اسلامی شوند.”

واکنش هشیارانه و وجدانی و انسانی همه کسانی که شنونده یا تماشاگر این صحنه سازی ها بودند و یا به طریقی از آن با خبر شدند، نهایت ورشکستگی و زبونی و ذلت برپاکنندگان و سیاست گزاران رژیم را باز می نمایاند. همه کسانی که نفرت زده و خشکین تلخ زبون، های خود را بستند و به شیوه های گوناگون به مسولان صدا و سیما جمهوری اسلامی اعتراض کردند، در کوچه و خیابان و اداره و کارخانه، با درک روشن خود، شیوه های اعمال شکنجه های رژیم را افشا کردند و از طبری، این شخصیت بزرگ و جهانی، به نام “کالیله ایران” یاد کردند... به خوبی می دانند آنچه نخست وزیر حکومت “یکی از موفقیت های جمهوری اسلامی” می نامد چیزی جز در یوزگی ذلت بار برای کسب حیثیتی نداشتنه، تقلا برای رایج کردن سکه قلب سیاستی که بی اعتباری و خیانت باری آن راهم کس اذعان دارد و هیچ عقل سلیمی، جز با پوزخند با آن مواجه نمی شود، نیست.

## بدون شرح

### سخنان بزرگان!

● “من مردی هستم که برای عدالت مبارزه می کنم. و نیرویم را از خدا می گیرم. من به دموکراسی ایمان دارم. من دموکرات ترین رئیس جمهور جهان هستم. اینجا یک کشور آزاد است. مطبوعات آزادند که بنویسند. من دلم می خواهد که از ریاست جمهوری کناره گیری کنم ولی مردم می خواهند که بمانم.”

● ژنرال پینوشه “(کیهان - ۳۲/۱۰)

● اگر بنا باشد به مناسبت کشته شدن تعدادی از کارگران در گوشه ای از جهان در تقاضاها اول ماه مه، آن روز روز کارگر تلقی شود، زهی افتخار به کارگران زحمتکش و با ایمان وطن اسلامی مان که هر روز برای آنان روز کارگر است. روزی نیست که

خبر شهادت عده ای از دلوران کارگر ما از جبهه های نبرد حق علیه باطل دریافت نشود.” (سرحدی زاده، وزیر کار) (کیهان - ۳۲/۱۰)

● “اسلام از یک طرف اجازه نمی دهد که حتی یک شاهی از حقوق کارگر توسط کارفرما محسب شود و از سوی دیگر از کارگران می خواهد که به حقی که اسلام برای آنان قائل شده است، قانع باشند و این حق در جمهوری اسلامی همان است که از تصویب شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان و ولایت فقیه گذشته باشد.” (هاشمی رفسنجانی) (کیهان - ۳۲/۱۲)

● “بر اثر پایبند نبودن به اصول و مبانی انقلاب، فامیل ما و خانواده های قدرت و ثروت شکل می گیرند و انقلاب ما را به انحراف می کشانند. پس از مدتی، اصول اولیه انقلاب فراموش می شود و واقعیت ما چنان تفاوتی با اصول پیدا می کنند که باعث تصعب می شود.” (سیدعلی خامنه ای)

(کیهان - ۳۲/۱۲)

● “در طول مدتی که دانشگاه بسته بود، در حقیقت کارهای علمی بیشتر از گذشته انجام شد (۱)... دانشجویان مسلمان باید همواره هوشیار و مواظب باشند که ضدانقلاب و عوامل خائن دشمن بازنگردند، اگرچه آن ها دیگر نمی توانند فعالیت نمایند، اما ممکن است بخواهند از راه های دیگری وارد شوند، مثلا به بعضی از دختر خانم ها بگویند کمی روسری خودشان را عقب بزنند و یا کمی آرایش کنند... البته ما نمی گوئیم که حتما باید از روینده و چیزهای دیگر استفاده شود. همچنین نمی خواهیم بگوئیم که آقایان و خانم ها از هم جدا باشند، ولی از سوی دیگر نباید بگذاریم که از حدود شرعی خارج شده و در روابط میان آنان افراط صورت گیرد.” (هاشمی رفسنجانی) (کیهان - ۳۲/۱۲)

## در هفته‌ای که گذشت:

### افشای اعمال نفوذ شورای نگهبان به نفع مرتجع‌ترین جناح حاکمیت

به دنبال مصاحبه امامی کاشانی، عضو شورای نگهبان و رییس هیأت نظارت شورای نگهبان بر انتخابات در مورد ابطال انتخابات چندین شهر از جمله اصفهان، هفته گذشته استاندار اصفهان طی تلفنگرامی به دلایل شورای نگهبان پاسخ داد و به طور تلویحی به اعمال نفوذ شورای نگهبان به نفع راست‌گراترین و مرتجع‌ترین جناح حاکمیت یعنی جامعه مدرسین حوزه علمیه، حزب جمهوری اسلامی و سران بازار اعتراف کرد.

در بخشی از این تلفنگرام آمده است:

"آراء مخدوش در اکثریت صندوق‌هایی که مخدوش اعلام شده است، بسیار کمتر از یک سوم بوده است و در صورتی صندوق باطل می‌شود که حداقل یک سوم آراء آن مخدوش باشد و چنین چیزی نبوده است."

اوپس اضافه می‌کند:

"هیأت نظارت شورای نگهبان بر سر همه صندوق‌ها غیر از ناظرین خود، ناظرین بر رأی بی‌سوادان نیز داشته است و چنانچه چنین مسئله‌ای (سوءاستفاده از آراء بی‌سوادان) در حوزه می‌بوده است، باید در همان اخذ رأی حوزه‌ای که در آن کسی رأی تحمیلی می‌نوشته مشخص و انتخابات در آن شعبه متوقف می‌شد و چنین مسئله‌ای حتی در مورد یک شعبه اتفاق نیافتاده."

بالاترین مقام جمهوری اسلامی، به دنبال انتشار اطلاعاتی مشابه تلفنگرام بالا و اعلامیه‌های دیگری که با صراحت بیشتری شورای نگهبان سرمایه‌داران و زمین‌داران را رسوا می‌کنند، با صدور پیامی منتشرکنندگان آنها را تهدید کرد و به دفاع از شورای نگهبان برخاست:

افرادی که نظریه شورای نگهبان در ابطال یا تأیید بعضی حوزه‌ها موافق میل‌شان نبوده است، دست به شایعه‌افکنی زده و اعضاء شورای نگهبان را که حافظ مصالح اسلام و مسلمین هستند تضعیف و یا خدای ناکرده توهمین می‌نمایند و به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست زده‌اند... من به آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهمین به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است... در خاتمه باید بگویم که حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را با آشنایی و شناخت تعیین کردم... به شورای نگهبان تذکر می‌دهم که در کار خود استوار باشید" (اطلاعات - ۱۲۶ اردیبهشت ۶۲)

در واقع اعمال نفوذ شورای نگهبان به نفع

ارتجاعی‌ترین جناح حاکمیت و صدور پیام در دفاع از این اعمال نفوذ، پیامی است که مردم در چارچوب بسیار تنگ انتخابات فرمایشی توانستند اعمال کنند. این وقایع پرده از چهره تبلیغات رژیم مبنی بر "آزادی مردم در رأی‌دادن به کاندیداهای مورد علاقه"، برمی‌دارد و "فوق دموکراسی" کذایی را افشاء می‌کند.

### سوگند شورای نگهبان برای مقابله با مردم

در هفته گذشته آیت‌الله خزعلی، عضو شورای نگهبان، یکی از مرتجع‌ترین عناصر حوزه علمیه قم و از سران انجمن ضدانقلابی حجتیه، به دنبال مسائلی که در رابطه با شورای نگهبان سرمایه‌داران و زمین‌داران در کشور مطرح شده بود، در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران گفت:

"امیدوارم که مجلس شورای اسلامی نیز، مثل دوره قبل فقط اسلام را بخواهد... امیدوارم در دوره دوم نیز با وجود رهنمودهای امام در امر پیشبرد اهداف اسلام موفق باشد و کار شورای نگهبان نیز زحمتی نداشته باشد" (جمهوری اسلامی - ۲۹ اردیبهشت ۶۲).

در واقع آیت‌الله خزعلی با بیان این عبارات حکم می‌کند مجلس آینده بیش از مجلس دوره اول به صورت زایدی شورای نگهبان عمل کند. او می‌خواهد در مجلس آینده هم طراز آن معدود لویایی که می‌توانست باری از مشکلات کشور بردارد و در مجلس دور اول به تصویب رسید و شورای نگهبان را در رد آنها به "زحمت" انداخت، مورد تصویب قرار نگیرد. او حکم می‌کند مجلس آینده قوانین را قبل از ارسال به شورای نگهبان، مطابق منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران که خزعلی‌ها مدافع آنانند، تنظیم کند و طبق معمول با به دست گرفتن چماق "کتاب و سنت" می‌گوید:

"امام اعضاء شورای نگهبان را نصب کرده‌اند که این شش نفر تا موافقت کتاب و سنت را نیافتند، نگذارند قانونی به (به نفع زحمتکشان و به زیان غارتگران) تصویب شود" (همانجا).

اوپس با اشاره به پیامی که اخیراً از سوی رهبران جمهوری اسلامی صادر شده و در آن به شورای نگهبان تذکر داده شده که "در کار خود استوار باشد و از جوسازی نترسد" گفت:

"اگر همه ایران هم جو مخالف ما باشد، ما حاضریم خونمان ریخته شود ولی قدمی خلاف اسلام عزیز برداریم."

این سخنان خزعلی بیانگر جوی است که امروز در مبین ما علیه ارتجاع حاکم بر کشور وجود دارد. در پاسخ به این جو، مرتجعین حاکم

از زبان خزعلی سوگند می‌خورند که در مقابل مردم و خواسته‌های به حق و انقلابی‌آنها مقاومت کنند. سوگندی که شاه نیز خورده بود پاسخ شایسته آن را از مردم انقلابی دریافت کرد.

### میزان "قداست" عسکراولادی و توکلی "دردهن‌ها و دل‌ها"

عسکراولادی و توکلی، وزرای سابق بازرگان و کار و از شناخته شده‌ترین نمایندگان کلا سرمایه‌داران و بزرگ مالکان در حاکمیت جمهوری اسلامی، در انتخابات فرمایشی اخیر به مجلس راه نیافتند. سرنوشته خاموش و پورا شده، شیشه‌خوار و آهن‌خوار که تنها آرای رأی دهندگان را به خود اختصاص دادند این دو نیز بدتر بود.

احمد توکلی که در دور اول حذف شده و به مرحله دوم نیز نرسیده بود، بعد از کشته شدن یکی از نامزدهایی که در دور اول به مجلس رفته بود و با اعمال نفوذ شورای نگهبان به دور دوم راه یافت. (در ابتدا اعلام شد جانشین نمایند، مقتول در انتخابات میان‌دوره‌ای تعیین خواهد شد، اما این تصمیم توسط هیأت نظارت شورای نگهبان لغو شد و بدین ترتیب توکلی به دور دوم رفت). با این وجود و با تمام تلاش مرتجعین، احمد توکلی در دور دوم نیز با پیامنفی شرکت کنندگان در انتخابات روبرو شد. در این انتخابات، عسکراولادی نیز که با عنوان یکی از "استوانه‌های انقلاب"، از حمایت تام و کمال رهبری جمهوری اسلامی برخوردار است و خامنه‌ای بعد از پرکناری او، به همراه توکلی - از پست وزارت طلب می‌کند - با همان قداست در ذهن‌ها و دل‌های مردم باقی بمانند کما اینکه شایسته آن هستند، و آراء منفی مردم روبرو شد.

افشای سیاست‌های ضد مردمی و ارتجاعی توکلی و عسکراولادی، خاموشی و پورا شده توسط حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، در رسوایی آنها و شکست فضاخت‌بار، اخیر اهمیت به سزایی دارد. همین امر دلیل دشمنی کین‌توزانه عسکراولادی‌ها و توکلی‌ها را به حزب توده ایران روشن می‌کند. بی‌دلیل نبوده که عسکراولادی و هیالکی‌هایش با تمامی سازمان‌های اطلاعاتی امپریالیستی، از طریق رژیم مرتجع ضیاءالحق، نقش دل‌ار را در پرونده‌سازی رذیلاته علیه حزب توده ایران، پوشش به آن، ایفا کردند.

عسکراولادی‌ها و توکلی‌ها که با افشاکری‌های حزب توده‌ها مشتشان در برابر خلق باز شده بود، با تلاشی عبث در جهت از میان برداشتن آن، قصد داشتند از رسوایی شرکایشان که در آینده ادامه دهنده سیاست‌های آنها خواهند بود، ممانعت کنند.

توده‌ها با رأی منفی به عسکراولادی و توکلی علاوه بر اینکه درجه تفر خود را از آنها آشکار کردند، بر سیاست‌ها و برنامه‌های حزب توده ایران نیز مهر تأیید کوییدند.

# مبارزه در راه صلح، لازمه مبارزه واقعی با امپریالیسم آمریکاست

بقیه از صفحه ۱

تأمین استقلال واقعی میهن ما، کام برداشتن در راه صلح عادلانه است. تسلط بر خلیج فارس، به عنوان یکی از حساس‌ترین نقاط استراتژیک جهان، از ده‌ها سال پیش یکی از آماج‌های استراتژیک اصلی امپریالیسم آمریکا بوده است. کنترل نظامی این منطقه، استقرار ناوگان دریایی و تأمین پایگاه‌های ثابت نظامی در آن، یکی از حلقه‌های اصلی در نقشه استراتژیک عمومی جهان‌خواران آمریکایی به شمار می‌آمده است. تجاوزگران آمریکایی طی چند دهه گذشته برای تأمین این اهداف استعماری پیمان‌های بغداد و سنتو و همکاری خلیج" را به مردم منطقه تحویل کرده‌اند. آنان با صرف صد‌ها میلیارد دلار جزیره دیه کوگاریسپاد در اقیانوس هند را به یکی از مجهزترین پایگاه‌های نظامی خود در سراسر جهان بدل ساخته‌اند. منطقه عمل اصلی سپاه چندصد هزار نفری واکشن سریع، مجهز به سلاح‌های پیشرفته و احتمالاً بمب نوترونی خلیج فارس است. کودتاهای جنایتکارانه مکرر در کشورهای خلیج فارس، جنگ‌های یمن و ظفار و صد‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای تحکیم زنجیر سلطه نواستعماری بر ملل ستم‌دیده این منطقه، این اهداف استراتژیک امپریالیسم آمریکا را تعقیب می‌کرده است.

با این همه امپریالیسم آمریکا، در تاریخ تجاوزگری خویش هرگز به اندازه امروز به دست‌یابی به این اهداف نزدیک نبوده است. جنگ فرسایشی ایران و عراق فرصتی تاریخی برای تحقق این خواست دیرینه امپریالیسم آمریکا فراهم آورده است. برای مردم قهرمان ما که پنج سال پیش به بهای رنج‌ها، خون‌ها و ایثارگری‌های حماسی، یکی از مخوف‌ترین دژهای آمریکایی در منطقه - رژیم ستم‌شاهی - را سرنگون کردند، هیچ چیز دردناک‌تر و دلخراش‌تر از این نیست که امروز ناظر آن باشند

حاکمیت خائن به انقلاب جمهوری اسلامی به بهانه دفاع از انقلاب، سیاستی در پیش گیرد که به امپریالیسم آمریکا میدان می‌دهد آب‌های نیلگون خلیج فارس را به تصرف درآورد و در قالب کشوری در روی دریا، هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای خویش به صورت همسایه تجاوزگر ایران درآید و برای عبور و مرور ساکنان اصلی خلیج فارس از مناطق تحت تصرف خویش مقررات استعماری وضع کند. چه واقعبینی تکان دهنده‌تر از آنکه پنج سال از انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی بهمن، سرنوشت حساس‌ترین مرزهای آبی میهن ما به نظارت فرماندهی ژاندارم‌های آمریکایی در عرشه کشتی‌های جنگی آنان واگذار شود!

این بی‌آمدهای هولناک، تنها یکی از نتایج شومی است که ناسیونالیسم ارتجاعی سران جمهوری اسلامی به مردم ما تحویل کرده است. برای هر صاحب عقل سلیمی روشن است که هرگونه تصاعد نوین در جنگ، چنانکه تا کنون تجربه شده است، تنها به بهره‌برداری بیشتر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا می‌انجامد و امکانات آنان را برای پیشروی بیشتر در راستای تأمین منافع دراز مدت و تشدید فشار بر خلق‌های منطقه و تهدید هرچه بیشتر دست‌آوردهای انقلاب مردم ما افزایش می‌دهد. بیهوده نیست که مزدوران آشنا و ناشناس امپریالیسم در حاکمیت جمهوری اسلامی امروز با حرارتی هرچه بیشتر خواستار تشدید و گسترش جنگ‌اند.

تناسب قوا در منطقه به گونه‌ای است که دورنمای پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ، حتی به قیمت ماجراجویی‌های تازه متصور نیست. حلقه محاصره امپریالیسم از جمله به یاری سیاست شوروی ستیزی و کمونیزم ستیزی سیاست‌گزاران جمهوری اسلامی که به جدایی میهن ما از جبهه جهانی ضد امپریالیستی

انجامیده است، برگرداگرد جمهوری اسلامی کامل شده است. دوستان نزدیک جمهوری اسلامی در منطقه - ترکیه و پاکستان - در واقع امره جناح‌های دیگر این حلقه محاصره و پایگاه و نیروهای ذخیره امپریالیسم محسوب می‌شوند.

امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه طی سال‌ها تدارک و درگیری و توسعه جنگ - از جمله هنگامی که سران جمهوری اسلامی در رویای پوچ صدور جمهوری اسلامی به عراق سیر می‌کردند - همه اهرم‌های کنترل اقتصادی و سیاسی و تسلیحاتی و نظامی جنگ را در اختیار گرفته و آنها را چنان به کار گرفته‌اند که هر تهاجم تازه‌ای تنها به فرسایشی شدن بیشتر جنگ و نابودی هرچه بیشتر توان نظامی و اقتصادی دو سوی درگیری و نضج هرچه بیشتر شرایط برای تأمین اهداف تجاوزکارانه امپریالیسم انجامیده و می‌انجامد.

سران شوونیست جمهوری اسلامی، چه آنان که ادامه توسعه طلبانه جنگ را به اهرم اصلی برای گردش به راست، سازش با امپریالیسم، مسخ انقلاب و یورش به نیروهای اصیل انقلابی تبدیل کردند و چه آنان که به بهانه اینکه "جنگ مسأله اصلی است"، بر این خیانت‌ها صحنه گذارند، سران دارند این سیاست جنون‌آمیز را ادامه دهند. آنان به بهانه مبارزه با امپریالیسم سیاستی را دنبال می‌کنند که امپریالیسم از آن به مثابه موهبتی گرانقدر استقبال می‌کند.

مردم ما اینک به تجربه عینی و کاملاً ملموس می‌بینند که لازمه مبارزه واقعی با امپریالیسم آمریکا و دفاع از دست‌آوردهای انقلاب مبارزه در راه صلح عادلانه است. تجربه زندگی اندرزمای حزب توده‌ها را به میان توده‌ها برده است. دیر یا زود جنبش صلح طلبانه زحمتکشان، در عمل راه جنگ‌افروزان را سد خواهد کرد.

## مالکیت دهقانان

بقیه از صفحه ۶

از انقلاب ثابت می‌کند که این نهادها با شکل و شیوه کنونی نه به سود خلق، بلکه به طور عمد به سود زمین‌داران اداره می‌شوند.

چنین وضعی منحصر به نهاد اوقاف نیست. پس از انقلاب بخش وسیعی از اموال غارت شده مردم که از اختیار سرمایه‌داران و زمین‌داران دریاری خارج شد، به جای آنکه در اختیار دولت قرار گیرد تا با نظارت نمایندگان مردم به سود خلق اداره شود، در اختیار موسساتی چون بنیاد مستضعفان، بنیاد علوی... قرار گرفت که اداره کنندگان واقعی آنها همواره بازاریان بزرگ بوده‌اند.

گردانندگان عالی‌رتبه این نهادها که از میان بستگان و عوامل و نورچشمی‌های روحانیون و بازاریان و دولتمردان بزرگ انتخاب شده‌اند، بخش بزرگی از دارایی‌های این نهادها را به نام بخش در اختیار بازاریان و زمین‌داران گذارند، و هم‌اینک نیز این موسسات را به صورت "شکارگاه‌های اختصاصی" بازاریان بزرگ اداره می‌کنند. بسیاری از این کارمندان - روحانی و غیرروحانی - خود نیز از ممر این دلالی منافع کلان اندوخته‌اند، و به سرعت به نمایندگان نسل تازه بورژوازی بوروکراتیک استحاله یافته‌اند.

تجربه چگونگی اداره "اوقاف" در طی سالیان که در زبان مردم کوچه و خیابان آن به عنوان "موقوفه خواری" یاد می‌شود و نیز تجربه بنیادهای گوناگون پس از انقلاب ثابت می‌کند که سرنوشت نهاد "اوقاف" در نظام کنونی نیز جز این نخواهد بود.

در حکومت‌هایی که سنت‌گیری خلقی دارند، دارایی‌های نهادهایی چون نهاد "اوقاف" به صورت کارخانه‌ها و مزارع دولتی اداره می‌شوند. حکومت‌های مردمی، اقدامات خویش برای نوسازی کشاورزی را بر پایه سلب مالکیت از دهقانان زحمتکش پایه‌ریزی نمی‌کنند، بلکه به اشکال مختلف از جمله با تشکیل تعاونی‌های کشاورزی، کوشش می‌کنند شرایط لازم برای نوسازی کشاورزی به سود دهقانان زحمتکش را فراهم آورند.

# به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

# وقتی که قورباغه ابو عظامی خواند!

آیت الله موسوی اردبیلی در نماز جمعه ۱۴ اردیبهشت مطالبی بیان کرد که هر چند مضمون آن بر همگان روشن بوده و هست و نکته تازه‌ای دزبندارده، معهذا چون از دهان یکی از رهبران جمهوری اسلامی بیرون آمده، هم در خورد توجه، تکرار و تصدیق و هم نیازمند تکمیل و توضیح است.

مطالبی که وی درباره آن سخن گفت عمدتا به سه بخش تقسیم می‌شود: ۱- اعتراف به شکست: آقای اردبیلی پنج سال و اندی پس از انقلاب می‌گوید: "ما هنوز (برای مردم) کاری نکرده‌ایم...". تردیدی نیست، این موضوع را همه مردم ایران می‌دانند و بدون چون و چرا می‌گویند آری سردمداران جمهوری اسلامی شکست خورده‌اند و به اهداف انقلاب خیانت کرده‌اند.

وی سپس می‌پرسد: "آیا تمامی قول‌هایی که به مردم داده بودیم به انجام رساندیم؟ آیا دیگر در این مملکت پابرهنه و فقیر وی مسکن و مستضعف نیست؟" آیت الله محترم! پاسخ مردم یعنی پابرهنه‌ها، فقرا، بی‌مسکن‌ها و مستضعف‌ها به این پرسش شما چه می‌تواند باشد جز اینکه بگویند هیچ کاری برای آنها نکرده‌اید. در عین حال فهرست قول‌های داده شده، و انجام نشده‌ها شمارا تکمیل می‌کنند چون اینها که بر شمرید فقط شامل دو سه فقره از قول‌هاست. حاکمیت جمهوری اسلامی بسیاری از دست‌آوردهای خود مردم را هم که با همت و توان انقلابی خویش فراچنگ آورده بودند، از آنها ربود و عکسش را بر آنها تحمیل کرد. مثلا مردم استبداد و اختناق ستم‌شاهی را با نبرد و ایثار به زانو در آوردند و خود را رها ساختند. آنگاه زمام کار را حاکمیت جمهوری اسلامی که خود را منادی و مدافع آزادی جلوه می‌داد، به دست گرفت ولی هنوز خون شهدای آزادی‌خسک نشده بود که این حاکمیت دوباره استبداد و اختناق را بر مردم مسلط ساخت.

آیت الله محترم حاکمیت جمهوری اسلامی که شما هم از زمره آن هستید، چنان دست تپاول به جان و حرمت انسانی مردم گشود و به زندان و شکنجه و اعدام به عنوان ابزار حکومت و حفظ قدرت

چنان رونق و گسترشی بخشید که جلادان رژیم ستم‌شاهی و "اندیشه‌پردازان" آن که پس از انقلاب از ترس خشم مردم به سراغی خزیده بودند، اینک پس از مقایسه میزان جنایات خود با کیفیت و کمیت درندگی و توحش در جمهوری اسلامی سربلند کرده، با قیافه مظلوم و معصوم دعوی اعاده حیثیت می‌کنند!

۲- قورباغه: ابو عظامی خواند: آیت الله اردبیلی اظهار تعجب می‌کند چرا "بعضی از فراری‌ها سر و کله‌شان پیدا شده و برگشته‌اند، مثل اینکه امان‌نامه گرفته‌اند چه خبر شده که همه مدعی شده‌اند که شرکت، پول، باغ، حق و حقوق عقب افتاده مرا بده!"

آیت الله گرامی! دیگر می‌خواستید چه خبر بشود؟ چرا از بازگشت "فراماسونرها و ساواکی‌ها که پرونده‌شان هنوز بسته نشده" است تعجب می‌کنید؟ بیایید با هم نگاهی گذرا به کارنامه حاکمیت جمهوری اسلامی بیافکنیم تا پاسخ پرسش خود را بیابید.

زمین‌های دهقانان را به مالکان بزرگ پس نداده‌اید؟ که داده‌اید! بازگانی خارجی همچنان در دست سرمایه‌داران خصوصی نمانده؟ که مانده! سرمایه‌داران محترک بازار با پشتیبانی حاکمیت جمهوری اسلامی خون مردم را در شیشه نمی‌کنند؟ که می‌کنند! قانون اساسی را لگدمال نکرده‌اید؟ که کرده‌اید! آزادی‌خواهان انقلابی را به شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های تیر نفرستاده‌اید؟ که فرستاده‌اید! دزدی و رشوه‌خواری تبدیل به روغن موتور دستگاه دولتی نشده؟ که شده! تقلب در سطح عالی کشوری (نمونه انتخابات اخیر) زورگری، اجحاف و بی‌قانونی تبدیل به قاعده و قانون کشورداری در جمهوری اسلامی نشده؟ که شده! تاراج سرمایه‌های مادی و انسانی کشور ابعاد نجومی نیافته؟ که یافته! آیت الله محترم! دیگر می‌خواستید چه خبر بشود؟ چرا از بازگشت و طلبکاری فراماسونرها و ساواکی‌ها شکفت زده‌اید؟ در فارسی مثلی داریم که می‌گوید وقتی آب سربالا رفت قورباغه ابو عظامی خواند!

یعنی وقتی یک دولت به اصطلاح انقلابی بعد از پنج سال حکومت اعلام کرد که ما هنوز برای مردم پابرهنه کاری نکرده‌ایم، ببخشید! یعنی وقتی یک دولت به اصطلاح انقلابی تمام اقداماتش در جهت منخ انقلاب و تهی کردن آن از مضمون انقلابی و پرکردن جای آن با تصمیمات و اقدامات ضدانقلابی و ارتجاعی شد، یعنی وقتی یک دولت به اصطلاح انقلابی برخلاف منافع زحمتکشان و به سود سرمایه‌داران وابسته عمل کرد آن وقت دیگر شکلت انگیز نیست که ساواکی‌ها و فراماسونرها از یک چنین دولت به اصطلاح انقلابی طلبکار بشوند.

لا بد آنها با خود می‌گویند ما چه کردیم که این حاکمیت جمهوری اسلامی نکرده و نمی‌کند؟ اگر مادزد بودیم که اینها هم دزدند، اگر ما آدم کشیم که اینها هم می‌کشند، اگر ما شکنجه کردیم که اینها هم می‌کشند. اگر در انتخابات تقلب کرده‌ایم که اینها هم می‌کنند. اگر ثروت‌های ملی را به باد دادیم که اینها هم پرباد می‌دهند. اگر فاسد بودیم که اینها هم فاسدند، اگر کلاه مردم را برداشتیم که اینها هم برمی‌دارند. پس دیگر با چه مزیتی می‌خواهند به ما فخر بفرشند و مال و منال ما را هم بالا بکشند؟

آیت الله محترم! اینجوری شده که فراماسونرها و ساواکی‌ها طلبکار شده‌اند!

۲- دیوار کوتاه کارگران: آیت الله اردبیلی در خطبه دوم خود درباره کارگران فروشی اظهار می‌کند: "به ما می‌گویند شما در قوه قضایی با محترک و گران فروش قاطع برخورد کنید تا احتکار و گران‌فروشی قلع و قمع شود، یک جمله در این باره بگوییم... این مسئله ای نیست که تنها جنبه قضایی داشته باشد... در این مسائل باید به سراغ ریشه‌ها و علل رفت... با شلاق زدن، جریمه گرفتن و زندان انداختن مسئله حل نمی‌شود...".

آری در این مورد کاملاً حق با شماست. باید "به سراغ ریشه‌ها و علل رفت...". تا زمانی که زمام اقتصاد جامعه در دست سرمایه‌داری غارتگر باشد آس‌همین‌آس است و کاسه همین کاسه درست‌شدنی هم نیست.

"شلاق و جریمه و زندان هم" دردی را دوا نمی‌کند، همان‌طور که در دوران ستم‌شاهی نکرد و در همین جمهوری اسلامی نکرد. زیرا کسی به سراغ ریشه‌ها و علل نرفت و نخواست به ترکیب نظام کلان سرمایه‌داری که مادر تمام این فسادهاست، دست بزند و تا زمانی که حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه‌داری بزرگ وابسته به امپریالیسم را زیر چتر حمایت خود بگیرد، به آن میدان بدهد و آن را به عنوان اساس نظام اقتصادی جامعه "اسلامی" حفظ کند، در بر همین پاشنه خواهد گشت.

حال بفرمایید تکلیف کارگران و زحمتکشانی که "پابرهنه، فقیر، بی‌مسکن و مستضعف" هستند و شما هنوز پرایشان کاری نکرده‌اید! در برابر این سرمایه‌داران هار و حریص که نان را از حلقوم کودکان این زحمتکشان هم می‌ربایند چیست؟ کارگران با این سرمایه‌داران محترک و گران فروش که مورد حمایت حاکمیت جمهوری اسلامی هستند و با شلاق و جریمه و زندان هم نمی‌توان حریفشان شد، چه باید بکنند؟ آیا راهی جز اعتصاب و مبارزه برای دریافت دستمزد بیشتر و ساعات کار کمتر برای آنها باقی می‌ماند؟ ولی شما به کارگران سرکوفت می‌زنید چرا اعتصاب می‌کنند و اضافه دستمزد می‌خواهند و بعد هم به این کارگران دشنام می‌دهید که انقلابی نیستند! اینها که به قول خود شما پل می‌سازند و آتش چاه‌های نفت را مهار می‌کنند، انقلابی نیستند ولی آن سرمایه‌داران محترک و آن بزرگ مالکان ظالم و آن حاکمیت جمهوری اسلامی که حمایتگر این دزدان است، انقلابی است؟

مردم زحمتکش و انقلابی ایران خواستار عدالت اجتماعی هستند آنها برای استقلال، آزادی و همین عدالت اجتماعی انقلاب کردند و تا تحقق کامل این خواست‌ها از پای نخواهند نشست و به همین دلیل است که شعله مقاومت در برابر حاکمیت منحرف جمهوری اسلامی در سراسر کشور بالا می‌گیرد و تمام کسانی که در برابر این خواست‌های مردم پایستند سرنوشتی جز سرنوشته محمد رضای معدوم نخواهند داشت.

# کودکان در جهان سرمایه داری



● حدود ۱۱ میلیون کودک در معرض تهدید دائمی گرسنگی هستند. لازم به یادآوری است که تنها ده درصد از هزینه های نظامی کافی است تا بر فاجعه گرسنگی در جهان، نقطه پایان گذارد.

● هر سال ۱۵ میلیون کودک در کشورهای فقیر، به علت کمبود پزشکی و دارو طعمه مرگ می گردند در حالی که برای نجات جان هر یک از این قربانیان، صرف سالیانه ۱۰۰ دلار، کافی است.

● هزینه ساخت هر زیردریایی اتمی (تری دنت)، می تواند مخارج تحصیل یک سال ۱۶ میلیون کودک را تأمین کند.

● با هزینه استقرار موشک های ام-۱ ایکس می توان تغذیه ۵۰ میلیون کودک را تأمین کرد و ۲۵ هزار مهد کودک در کشورهای در حال رشد تأمین نمود.

● ۶۰۰ میلیون کودک در جهان در فقر زندگی می کنند.

● نزدیک به ۱۰۰ میلیون کودک از ۱۶۰۰ میلیون کودک سراسر جهان که کمتر از ۱۲ سال دارند به انحاء گوناگون مشغول به کارند.

● در آمریکا این ثروتمندترین کشور جهان سرمایه داری ۲/۵ میلیون کودک ۱۵ - ۱۱ ساله برای امرار معاش کار می کنند. در ایتالیا تعداد این کودکان در سال ۱۹۷۲ به یک میلیون نفر رسید. طبق آمار یونیسف ۴۰٪ نیروی کار در کشورهای سرمایه داری را کودکان ۱۲ - ۱۰ ساله تشکیل می دهند. در خاور دور ۲۱ میلیون دختر کمتر از ۷ سال فقط به عنوان مستخدم مشغول کارند.

- در کشورهای در حال رشد از هر ۲۰ کودک تنها یکی از حق معاینه پزشکی برخوردار است.

- (۲٪ از افرادی که به جرم

۲۲ سال از تصویر "اعلامیه حقوق کودک" سازمان ملل متحد می گذرد. در بیست و نهمین سال تصویر این اعلامیه که به عنوان "سال کودک" برگزار گردید، معلوم شد در جوامع سرمایه داری و کشورهای تحت سلطه نواستعمار، هیچ گام اساسی در جهت بهبود شرایط زندگی کودکان برداشته نشده و کودکان این بخش از جهان همچنان از محرومیت های فراوان رنج می برند.

● آمار زیر گوشه ای از زندگی مصیبت بار کودکان در کشورهای سرمایه داری و تحت سلطه را نشان می دهد:

● هر ساله بیش از ۵۵۰ میلیارد دلار در جهان صرف هزینه های نظامی می شود. در حالی که مطابق آمار یونیسف، ۲۰۰ میلیون کودک از گرسنگی رنج می برند. در آمریکا

بیماری ها آلوده هستند، انباشته شدن زباله، نبودن آب لوله کشی و استفاده برای آشامیدن از آب هایی که هیچ گونه تضمین بهداشتی ندارند "کیهان - ۲۸ فروردین ۱۳۶۲".

ارتکاب به جنایت توأم با خشونت دستگیر می شوند، جوان هستند. در واقع نسلی از جنایتکاران که کمتر از ۱۲ سال دارند به وجود آمده است. اعتیاد به مواد مخدر و الکل در میان کودکان کم سن و سال هر سال رواج بیشتری می یابد.

## سهم کودک ایرانی از انقلاب:

### استثمار، مرگ، محرومیت!

بقیه از صفحه ۵

زندگی در شرایط بهداشتی و فشارهای جسمی و روحی رقت انگیز است.

مسئولین جمهوری اسلامی در مقابل خواست های به حق جنگ زدگان، تأمین رفاه آنان را به "قیامت" حواله می کنند.

"خداوند شما را در بوته امتحان قرار داده است. هر کس صبرش بیشتر باشد، اجزش بیشتر است"

(روزنامه ها)

عواقب فاجعه بار ادامه و گسترش جنگ امپریالیسم خواسته، ابعاد فاجعه آمیزی به خود گرفته است. حاکمیت جنگ طلب جمهوری اسلامی کودکان خردسال را نیز از شرکت در میدان های جنگ معاف نمی کند. فریب کودکان از راه تحریک احساسات مذهبی و ناسیونالیستی در مدارس و اعزامشان بدون اجازه والدین به جبهه به شیوه رایج طرفداران "اخلاق اسلامی" میدل شده و به حق اعتراض پدران و مادران آنان را برانگیخته است. در روزنامه های

### کودکان و جنگ

نزدیک به ۴ سال از آغاز جنگ خانمانسوز بین ایران و عراق می گذرد. مدت هاست که این جنگ خصیصه عادلانه و گدافی "خود را از دست داده و در خدمت مطامع توسعه طلبانه حکام جمهوری اسلامی درآمده است. کودکان ایرانی بخش عظیمی از بار مصائب و رنج های طاقت فرسای جنگ بیبوده را به دوش ناتوان خود می کشند. تعداد آوران جنگی را بیش از دو میلیون نفر برآورد می کنند. کودکان خانواده های جنگ زده در شرایط جهانی اردوگاه ها و مجتمع های مسکونی جنگ زدگان زندگی سراسر رنج و حرمانی را می گذرانند. زندگی خانواده ها در یک اتاق کوچک، بدون غذا، لباس و وسایل

تلوویزیون که به منظور مسخ افکار و شستشوی مغزی کودکان برنامه ریزی شده، کوچک ترین موفقیتی در جذب کودکان ندارد. حکام قشری جمهوری اسلامی بازی و هم نشینی دختران و پسران خردسال و معصوم در کلاس درس را مغایر "موازین شرعی" اعلام می کنند، اما کپک وار سر در برف فرو برده و نمایش فیلم های مبتذل و کثیف ترین محصولات تجارتي غرب را به ویژه در سینماهای مناطق زحمتکش نشین نادیده می گیرند.

مجاز کشور، به کرات خبر "تشییع جنازه پیکر دانش آموز شهید..." را می خوانیم. تا کنون گل عمر هزاران کودک بی گناه میهن ما در جبهه های جنگ ظالمانه پیرپا شده و عده بیشتری به اسارت درآمده اند. تنها در یک حمله، ۱۲ دانش آموز از دبیرستان علوی شهرستان اراک شهید شدند (اطلاعات - ۲/۰ - ۶۲/۱).

استفاده از کودکان و نوجوانان میهن پلاکشیده ما به مثابه گوشت دم توپ، اعتراض سازمان ها و شخصیت های مترقی جهان را برانگیخته است. سازمان ملل متحد نیز در همین رابطه حکومت جمهوری اسلامی را محکوم نموده است.

### اوقات فراغت کودکان

تفریح و ورزش با امکانات مناسب، گردش جمعی علمی، پرورش و رشد استعداد های علمی و هنری برای میلیون ها کودک ایرانی، رویایی دست نیافتنی است. کودکان خانواده های زحمتکش، از حیاط تنگ مدرسه به مسکن محقر خانواده پناه می برند و از اتاق اجاره نشین به کوچه خشک و خاک آلود محل سکونت خود، برنامه های خشک و عبوس رادیو

حاکمیت جمهوری اسلامی از تأمین حیاتی ترین نیازهای کودکان، این آینده سازان میهن ما سر باز می زند. این حاکمیت می یابد هزار پال در آمدش از فروش ثروت های طبیعی این آب و خاک را به جیب دلان و فروشندگان سلاح های کشورهای امپریالیستی سرازیر می سازد کودکان و نوجوانان ایران را در قربانگاه جنگ توسعه طلبانه سلاخی می کند مصالح خلق را به فراموشی سپرده و پاسدار منافع غارتگران قشری و وابستگان به امپریالیسم، پاسخ شایسته از مردم دریافت دارند. دور نیست. آنان که یاد می کارند، طوفان درو خواهند کرد.



مارشال اوستینوف:

## "ما زیر فشار و تهدید با کسی گفتگو نخواهیم کرد"

مارشال اوستینوف در مصاحبه ای با خبرنگاری "تاس" پیرامون تلاش های عیث واشنگتن برای کسب برتری نظامی از راه تشدید مسابقه تسلیحاتی از جمله گفت:

رهبران واشنگتن نباید جامعه جهانی را فریب دهند که گویا به کمک موشک های جدید و یا ایجاد سیستم همه جانبه دفاع ضد موشکی می توانند اتحاد شوروی را به وسیله تهدید و فشار مجبور کنند به عقب نشینی های یک جانبه تن در دهد. اینها هدف های دست نیافتنی است. ما زیر فشار و تهدید با کسی گفتگو نخواهیم کرد. اتحاد شوروی طرفدار مذاکرات شرافتمندانه، برابر حقوق و سازنده است. اگر آمریکا می خواهد به گفتگو بنشیند باید از کوشش های عیث برای کسب برتری نظامی از راه تشدید مسابقه تسلیحاتی و در حساب آخر خلع سلاح یک جانبه اتحاد شوروی دست بردارد.

پیروزی اتحاد شوروی بر نیروی ضربتی امپریالیسم یعنی فاشیسم هیتلری در جنگ دوم جهانی به طور قانع کننده نمایانگر آنست که حل مجادله تاریخی با سوسیالیسم با تکیه بر نیروهای نظامی با شکست کامل و اجتناب ناپذیر روبرو خواهد شد.

به آن کس که امروز جنگ صلیبی جدیدی را علیه سوسیالیسم تدارک می بیند باید توصیه کرد، به خاطر بیاورد این گونه تلاش ها در گذشته چگونه به انجام رسیده است.

اینک، در شرایط تغییر بازگشت ناپذیر نیروها به سود سوسیالیسم در پهنه بین المللی، امپریالیسم هیچ گونه شانس ندارد که بتواند با وسایل نظامی به هدف های طبقاتی خود دست یابد.

سد غیر قابل عبور برای او در این راه توان نیرومند اقتصادی و قدرت دفاعی شکست ناپذیر اتحاد شوروی و به هم فشردگی و وحدت نظر در جامعه و یگانگی خلق و حزب کمونیست است. جامعه دولت های سوسیالیستی و اتحاد رزمی برادرانه میان ارتش های کشورهای عضو پیمان وزشو تکیه گاه امیدبخش امر صلح و امنیت خلقهاست.

اتحاد شوروی کشور صلح دوستی است. نیروهای مسلح ما هیچگاه هیچ کس را مورد تهدید قرار نداده اند و هیچ وقت به روی دولت ها و خلق های دیگر شمشیر نکشیده اند. کمیته مرکزی حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی آنچه لازم باشد، انجام می دهند تا ارتش و نیروی دریایی ما با مدرن ترین جنگ افزارها

و ماشین های جنگی مجهز باشند و قدرت رزمی اتحاد شوروی در سطح لازم قرار داشته باشد.

## خانان به وطن و حامیان شان

این روزها خبرگزاری ها و مطبوعات وابسته به امپریالیسم در بوق تحریکات بازاری ضد شوروی خود هم چنان می دمند. بهانه تازه اینست که ساخاروف برای تحقق خواست های خود اعتصاب غذا کرده و گویا احتیاج به کمک دارد. به نظر می رسد ساخاروف و همسرش که سالهاست به وطن خود پشت کرده اند و به مثابه آلت اجرای نقشه های ضد شوروی سازمان های جاسوسی امپریالیستی عمل می کنند در طرح و اجرای این تحریکات تازه به امکانات خود و "دوستان شان" بیش از اندازه بها داده اند. همسر ساخاروف که از مدت ها پیش نقش رابط او و سازمان های جاسوسی غرب را ایفا می کرده و از جمله در آخرین سفرش به خارج مخفیانه به ایالات متحده رفته بود، اخیرا حامل نامه ای از سوی شوهرش برای سفارت آمریکا در مسکو بوده است که البته به مقصد نمی رسد و به دست مقامات شوروی می افتد.

در این نامه ها مطالب جالبی نوشته شده، ساخاروف از جمله در مورد سلامتی خود که مقامات غربی این همه پیرامون آن جنجال می کنند به سفارت آمریکا چنین اطلاع می دهد: "در واقع وضع سلامتی من کاملا رضایت بخش است. مقامات شهر کورکی فعالان می کوشند بهترین کمک های پزشکی را در اختیار من بگذارند."

## سفر جرج بوش به پاکستان چه هدف هایی داشت؟

چندی پیش جرج بوش، معاون ریاست جمهوری آمریکا، به چند کشور آسیایی و از جمله پاکستان سفر کرد. در این سفر او نه تنها با ضیاء الحق خلوت کرد تا توطئه های دولتش را علیه خلق های هندوستان و افغانستان و هم چنین خلق های کشورهای اطراف خلیج فارس تشریح کند و وظایف ضیاء الحق را مشخص تر نماید، بلکه سری هم به اردوگاه مزدوران افغانی در پیشاور زد و با سران ضد انقلاب افغانستان به گفتگو نشست.

همه می دانند که آمریکا چه به طور مستقیم و چه غیر مستقیم و توسط متحدانش اسلحه در اختیار ضد انقلاب افغانستان قرار می دهد. ولی این گروه های مزدور مصرف کننده سلاح های مدرن نظیر بمب افکن - شکاری های اف - ۱۶، موشک های مخصوص کشتی ها، تانک ها و دیگر سلاح های سنگین که به پاکستان فرستاده می شود نیستند.

شاید کسی امنیت پاکستان را به خطر انداخته و باید به ضیاء الحق "قاتلان" کمک کرد تا برای دفاع از خود تا دندان مسلح شود؟ واشنگتن خوب می داند که چنین خطری برای پاکستان از خارج وجود ندارد. وزیر دفاع هندوستان به درستی یادآور شده است که

پاکستان خیلی پیش از آن از آمریکا اسلحه دریافت می کند که برای امور دفاعی لازم باشد. دولت آمریکا می خواهد پاکستان را تبدیل به پایگاه نظامی خود برای مداخله در کشورهای همسایه به خصوص هندوستان و افغانستان و دیگر کشورهای منطقه کند. نه تنها جنگ افزارهای ضد انقلاب افغانستان از راه پاکستان تأمین می شود، بلکه اخیرا آشکار شد سلاح های آمریکایی در پاکستان از ایالت پنجاپ هند سرد آورده است.

آیا سران حاکمیت جمهوری اسلامی این واقعیات را نمی بینند و یا اینکه خیانت به انقلاب و کمونیسم ستیزی کور آنان را خواه ناخواه هم سنکررژیم های نظامی کودتاجی در پاکستان، ترکیه، عمال و وابستگان آشکار امپریالیسم در منطقه کرده است؟

## تعطیل ۱۳ مدرسه

بقیه از صفحه ۲  
جلوگیری کرده اند. در چند روز اخیر نگرانی عمیقی محافل و محلات ارمنی نشین به ویژه در تهران و اصفهان را فرا گرفته است. مسئولان جمهوری اسلامی تحت لوای وجود تشنج و اعتصاب در مدارس ارمنی، ۱۳ مدرسه را تا اطلاع ثانوی تعطیل کرده اند و احتمال آن وجود دارد که چند مدرسه دیگر نیز تعطیل اعلام شوند.

هر روز خبرها و حوادث نگرانی آور جدیدی پیرامون این مسائل منتشر می شوند و به وقوع می پیوندند که بر ناراضیاتی این خلق ستم دیده می افزاید.

**کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در شمال کالیفرنیا هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند**

**RAHE TUDEH**  
No. 93  
Monday, 28 May 84  
Address: **Winfried Schwarz**  
**Markgrafenstr. 13**  
**6000 Frankfurt 90**

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.